

گرامی باد هفتاد و سومین سالگرد انقلاب مشروطیت

چگونه فنودالها، تجار بزرگ و روحانیون سازشکار، انقلاب مشروطیت را به شکست کشاندند؟

تا رشد و تکامل سرمایه جهانی و رسیدن آنها به بالاترین و عالی ترین مرحله تکامل خود یعنی امپریا - لیسم، فعل بومی در تاریخ جهان گشوده شد. و سرمایه مالی، مبارزه برای دست یافتن به منابع مواد خام و مدور سرمایه و تحصیل مناطق نفوذ، یعنی معاملات سود آور، امتیازات و سودهای انحصاری و غیره را در روشهای متعدد و قدیمی سیاست استعماری " (۱) افزود.

لنین می نویسد که "مفت مشخصه این دوران نه وجود دو گروه اصلی از کشورها یعنی گروه کشورهای مستعمره دار و گروه مستعمرات نیست، بلکه وجود تکیه های گوناگونی از کشورهای وابسته نبره است که در صورت ظاهر استقلال سیاسی دارند ولی عملاً در دام وابستگی مالی اودیپلما - تک گرفتارند " (۱) علامت مشخصه این فعل عبارت بود از

تشدید ستگیری ملی و نفص استقلال و انقباد اقتصادی و سیاسی خلقهای تحت ستم، که ادامه زندگی بشیوه سابق را بر آنان غیر ممکن ساخته و زمینه ها تشدید معایوت خلقها و سیاسی نشینها ی خود ای و فدا امپریالیستی را فراهم نمود .

مارش انقلاب نواخته میشود

بدین ترتیب با تکامل سرمایه داری، امواج توفنده انقلاب از اروپای پیشرفته و از طریق روسیه انقلابی سه آسیای عقب مانده انتقال یافت و "آسیای شرقی و حتی " را بیدار ساخته و سراپا مشحون از شرقت زندگی و فرهنگ آزادی نمود. سرمایه داری جهانی و انقلاب ۱۹۰۵ روسیه، آسیا را یکی بیدار کردند. صدها میلیون جمعیت حبل زد کمد رکود قرون وسطایی متوحش دجا رفته بودند، برای زندگی نوین و برای مبارزه در راه حقوق بدوی انسانی، برآمدگراسی بیدار شدند" (۲).

چرا میگویند همافران را منفرد کنند؟

ادامه از شماره قبل

دولت برای بازسازی ارتش از یکسو پرونده های ضد اطلاعات را که توسط همافران ساز ضبط شده و سپس به دادستان انقلاب اسلامی داده شده بود، از دسترس برسنل انقلابی ارتش دور نگه میدارد و از سوی دیگر برای شکایت نسیم به ارتشیان ضرب الاجل چند روزه تعیین می کند تا راه برای غفو ضد انقلابیون ارتشی باز شود و خلق، و الا ضد انقلاب که برای مقابله و محاربه با ضد انقلاب بکار نمبرود، امضای سوری مرکزی را سوری ناراضی و اعتراض بحق همافران شده است. آنان در اولن بند از قطعنامه چهار ماده ای شان در رابطه با مسئله فوق الذکر چنین میگویند: ... در انحصار فرار گرفتن متحد اسناد و مدارک موجود در ضد اطلاعات جهت رسیدگی و شناسایی افراد ضد انقلابی و تصفیه سربیش آنها با توجه به اینکه در حال حاضر درهای خاموش های ضد اطلاعات سر روی اعضای سوری مرکزی - سوری مرکزی بناد ستاد نیروی هوایی بسته شده و امکان بررسی پرونده ها و اسناد بست و اسنکه رسیدگی به اسن پرونده ها و دیگر اعمال کلیه نظامیان تا تاریخ ۵۸/۴/۱۹ محدود شده است. " (بناد آزادی، ۴، شماره) عفو و مرحمت نسبت به ضد انقلابیون ارتشی، بسه کسانی که مستقیم و غیر مستقیم در کشتار ها و توطئه های سنگین سر علیه خلق شرکت داشته اند، با فضا و تضییقات گوناگون بر علیه برسنل انقلابی ارتش همراه مشود و همانطور که قبلاً اشاره رفت دستهای زیادی بکار مبادند تا جبهه متحد برسنل انقلابی ارتش را متلاشی کند. این دستها میگویند به درخدا را ان چنین تعهیم کنند که تحقق یافتن خواستهای همافران براسر عقبه در صفحه ۳

میتینگ روز پنجشنبه ۱۱ مرداد چگونه برگزار گردید

دولت با میهمانانش قیاده موقت، دستش را رو میکند

رویزونیستها در کنار راست ترین محافل مذهبی دشنام می شنوند

روز پنجشنبه ساعت ۶ بعد از ظهر به منظور آشنایی با نظرات ۷ سازمان و گروه ائتلافی پیرامون "مجلس خبرگان" و قانون اساسی و به منظور حمایت از خواسته های خلق کرد، میتینگ با شرکت هزاران نفر در دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد.

میتینگ از ساعت ۶ بعد از ظهر شروع و تا ساعت حدود ۸/۵ ادامه داشت.

در این میتینگ نامزدهای انتخاباتی این گروهها، رفقا مرتضی آلا دپوش، ابراهیم نظری و افخم احمدی نظرات خود را در مورد مسائل مذکور بیان کردند. در جریان میتینگ، طبق معمول چند ده نفر از افراد نا آگاه که بسوسله انحصار طلبان هدایت میشوند، اخلالگری کردند، و با شعارهای ارتجاعی خواستند این میتینگ را بر هم زنند ولی جمعیت حاضر با حفظ متانت خود بار دیگر آگاهی و وسعت نظر خویش را در برابر این اوباشان نشان داد.

اظهارات افشاگرانه مقام دولتی (امنیتی!؟)

کیهان شنبه ۱۳ مرداد از "افشاگری یک مقام دولتی (بخوان امنیتی) درباره توطئه و خرابکاری چپ نماها" خبر بد هد. این اراجیف را که سطر به سطر بخوانی خون در رگهای می جوشد و تو از اینهمه وقاحت، افترا و خیانت آشکار به انقلاب و مردم از خشم چون فولاد گداخته می شوی. او ادعای می کند که "چپ نماها (بخوان نیروهای انقلابی و دمکرات و کمونیستها) حوادث گنبد را بوجود آوردند، در فراندوم اخلال کردند، اجتماع جبهه دمکراتیک ملی را بر هم زدند و تظاهرات بنفع کشف حجاب برآه انداختند. او بشیوه نادانانه ادعا کرد که آنها میخواستند صندوقهای آراء انتخابات را آتش بزنند." کینه کور این حضرات تازه بدوران رسیده، هیچ قیاحت را نمی فهمد، جنایاتی که شایسته ساواکیها و همکاران جدید "تهرانی" جلال است به کسانی نسبت می دهند که درسباهترین دوران استبداد و وحشیگری رژیم سابق، جان برکف از هیچ چیز نهراسیدند و متاسفانه بسیاری از آنها در این "بهار عقبه در صفحه ۹

انقلاب نیکارا گوئه هم از تحریف اینان در امان نیست

مقایسه برنامه و عملکرد دولت های موقت ایران و سازندنیست های نیکارا گوئه

زحمتکشان در انقلاب نیکارا گوئه به حقوقی میرسند که در ایران رسیدن به آن جرم محسوب میشود!

در صفحه ۶

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

محکوم کردن وقایع مریوان

بلاکاردهای این تظاهرات بسیار جالب بود: "مدافع انقلاب تنها زحمتکشانند، بزرگ سرمایه دار و مالک دشمن انقلابند"، "برفرار باد جمهوری دمکراتیک خلق"، "ثروت بر بزرگ مرتد کارگر"، "پش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر" و ... ، در تمام این تظاهرات، افراد مسلح جمعیت و دفتر هواداران از تظاهرات حمایت می نمودند.

در زیر قسمتی از فراخوان " شورای هماهنگی جمعیت های کردستان ایران که برای دعوت مردم کردستان در پشتیبانی از مردم مریوان انتشار یافته را ملاحظه می کنیم: خلقهای سراسر ایران! خلق مبارز کرد! اکنون که توطئه های رنگارنگ امپریالیست ها و حامیان داخلی آنها یکی پس از دیگری خنثی می شوند، اکنون که قیاده موقت چماق دست اربابان و نوکران امپریالیسم ورشکسته و رسوا شده است، اکنون که کاسون های فئودالی و مراکز توطئه و فساد بشتان زیر ضربات سهمگین اتحادیه های دهقانی خم شده است،

اکنون که تسلیفات پاره های کمیته های ارتجاعی چون ملاحظاتی برای اختلاف و تفرقه اندازی در صفوف خلق های ترک و کرد بسنگ سخت مقاومت و هوشیاری خلق ها حورده است،

اکنون که برای همه روشن شده است که تبلیغات شرم آور و رنگین رادیوتلوویزیون انحساری یا وه سراسر شیای بی بسبب است،

اکنون که طبل رسوائی عوام مریبان ضد بشر و ضد اسلام در زیر بوشش دفاع از دین و مذهب با چماق داران ضد آزادی و گروه های فشارشان در داخل و خارج کشور بصدا درآمده است،

اکنون که انیان توطئه تھی و کفگیر دسیه و خیانت به شه دیگ خورده است،

تنها نگاه برای ارتجاع و سرسپردگان امپریالیسم باقی مانده است و آنچه اشغال نظامی منطقه و رودر رو قرار دادن مردم و ارتش و محاصره خلق ستمدیده کرد در اطراف ارومیه ... و شهر مریوان است.

همه میدانید که خلق مبارز شهر ۲۵ هزار نفری مریوان که نمیخواستند بار دیگر سرنوشت و زندگی شان دستخوش و آلت دست مشتی عناصر مزدور، خائن و ضد انقلابی باشد نام "باصلاح سها پاداران" گردد، آوارگی و بیخانمانی را بر اسارت ترجیح داده و از قبول زور و تحمیل قیم های دروغین و دابه های مهربانتر از مادر سرباز زده اند.

خواست مردم مریوان خواست تما می خلق کردخواست تما می خلقهای ایران است و آنچه داشتن حق دخالت آزادانه در سرنوشت خویش و تحقق همان شعار بیکه طسی فزون مطرح بوده ولی از طرف استبداد با سمال گشته است یعنی حکومت مردم بر مردم و سپردن کار مردم به مردم است.

.....

در پی آواره شدن مردم مریوان ، دستگیری ۱۶ تن از رزمندگان کرد، شورای هماهنگی جمعیت های کردستان در پی نشستی در روز ۵۸/۵/۲ تصمیم به تظاهراتی سراسری گرفت ، و بعلت اینکه جان رزمندگان اسیر در خطر بود در شب ۵۸/۵/۳ را بعنوان روز اعتراض و تظاهرات علیه دولت موقت و عواملش در منطقه اعلام نمود . و در همان روز آیت الله عزالدین حسینی اعلامیه ای در رابطه با حماست از اسن تظاهرات انتشار داد . ما اینکه تبلیغی در بین روستاییان و مسرمد شهرها انجام نگرفته بود ولی از بعد از ظهر سه شنبه مردم گروه گروه به محل اجتماع (که از قبل اعلام شده بود) آمدند ، در شهرهای دیگر گریه و ستم ، میاماد ، انوشیوه و سوکان و ... شهرهای دیگر کردستان مردم ضمن محکوم کردن دسایس امپریالیسم و ارتجاع ، حمایت خود را از خواسته های برخی مردم مریوان اعلام نمودند ، در شهر سوکان تظاهرات چند هزار نفری برگزار گردید . مردم با حمل بلاکاردهایی از جمله ، " مرگ بر ملاحظاتی مرتجع ، عامل امپریالیسم " ، " آواره کردن مردم مریوان " دستگیری ۱۶ رزمندگن کرد از دسایس امپریالیسم و ارتجاع است " ، " نظم شهر باید دست خود مردم باشد " ، " امور انتظامی شهر و روستا باید توسط شورای شهر و اتحادیه های دهقانی اداره شود " ، " اشغال نظامی کردستان ، و سرکوب خلقها ، خواست امپریالیسم است " و توطئه اشغال کردستان و سرکوب مبارزان کرد ، عرب ، فارس ، ترکمن و ... را محکوم نمودند . وقتی جمعیت مسلحی دفتر حزب دموکرات میرسید شاعر " مرگ بر فساد " به اوج میرسد . مردم با مشت های گره کرده حتم خود را از این عوامل امپریالیسم در منطقه اعلام داشتند . همچنین در این روز اعلامیه ای از طرف اتحادیه کارگران سوکان - بخش گردند که از کارگران و سار زحمتکشان خواسته شده بود که در تظاهراتی که برای خواسته های کارگران و اعتراض به بیگاری در روز چهارشنبه ۵۸/۵/۴ برگزار می گردند شرکت نمایند ، دفتر هواداران چربکهای فدائی خلق سوکان و جمعیت دفاع از زحمتکشان و محسوق ملی کرد - سوکان ضمن حمایت از تظاهرات ، اعلامیه هایی در این رابطه انتشار دادند .

عصر روز چهارشنبه ۵۸/۵/۴ میدان شهر سوکان محل تجمع کارگران و زحمتکشان شهر سوکان بود ، بسش از شروع تظاهرات شعارهای نوشته شده ای از طرف اتحادیه کارگران سوکان بخش گردید ، در این روز مردم که نسبت به وقایع مریوان خشمگین شده بودند ، با شعارهای مرگ بر کمته ، کمته فد خلقی است و ... بطرف کمیته هجوم بردند ولی افراد مسلح انقلابی که از تظاهرات حمایت می نمودند از هجوم افراد خشمگین به محل کمیته حلو - گیری بعمل آوردند . البته لازم به توضیح است که این کار (منظور مرگ بر کمیته و ...) چپ روی محض بود چون بنا به گفته خود مردم سوکان افراد کمیته غیر از سرپرست و کله گنده هایش ، افرادی هستند که با گرفتن حقوق ماهانه از کمیته ، امرار معاش می نمایند و افراد ضد انقلابی و ضد خلقی هستند .

دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر - بابل، اعلامیه ای در رابطه با تظاهرات دهقانان روستاهای بابل در اعتراض به احتکار و گرانی سیمان انتشار داده اند که مضمون آن چنین است .

تظاهرات دهقانان روستاهای بابل

مدتی است که روستائیان بابل برای ساختن سیر - پناهی به سیمان احتیاج دارند و برای گرفتن آن به شهر می آیند ولی از سیمان خبری نیست در صورتیکه در بابل بازار سیاه سیمان فراوان است . به روستائیان می گویند که باید از فرمانداری حواله بگیرند تا قادر به گرفتن سیمان باشید روستائیان از فرمانداری حواله می گیرند و از صبح خیلی زود در صف خرید سیمان می ایستند ولی به آنها سیمان نمی رسد و مسئولین می گویند سیمان تمام شده است .

در تاریخ ۵۸/۵/۷ مستبکی از طرف معلمین پیشکام آمل در مدرسه ای برگزار شده بود . نکه عد عوامل شناخته شده مبینگ را بهم میزبند و کتابها و اعلامیه های دفتر پیشکام را بیرون ریخته و در و پنجره را خرد میکنند . بعد از بهم زدن مسینگ یک کتابخانه بنام سویا که متعلق به پیشکام بوده کتابهایش را سوزانده و در رو پنجره اش را خرد میکنند بعد از آن جریان دور مدرسه (محل برگزاری مستبک) را با جوب و چماق محاصره کرده و محاصره تا اواخر شادامه داشته که با دخالت افسران خاتمه می یابد .

کامیون سز خاوری که حامل دانشجویان بابلسی شرکت کننده در مستبک ، بوده با سبکی که در آن کار گذاشته بود متعمر میشود و در نتیجه دست یکی ارماسران قطع و چشم یکی آسیب دیده و عده ای نثر زخمی میشوند .

نامه به پیکار: چه کسانی و چرا کتابفروشی بهرنگ را در تکاب منفجر کردند؟

براستی چگونه میتوان به این سؤال پاسخ داد؟ کدام انسان اندیشمندی میتواند با توسل به مبانسی عمدتی و اصول ایدئولوژیک خود انفجار یک کتابفروشی را توجیه نماید؟ آن کسی که در شب چهارشنبه ۵۸/۵/۳ در شهر کوچک ما تکاب واقع در آذربایجان غربی ، دینامت را به اعدام یک مغازه کتابفروشی بست . آیا مسئولیت تفرقه ریزی جامعه ما را که از آن طریق سالها تحت ستم بوده میتوان به عهده نگردد؟ ما چندی پیش عواقب وحیم توطئه ها و تحریکات ارتجاع و عوامل رژیم پیشین در تکاب را از طریق جرایم افشا کردیم و اینک ادامه تحریکات آنها با انفجار کتابفروشی بهرنگ به مرحله تازه ای رسیده که جا دارد مجدداً ملت فهیمان ایران و به ویژه اهالی شرافتمند تکاب را به داوری بطلبیم ، بغای افکنان و توطئه گران آنها شیکه خلق آگاه را دشمن خود میدانند بر راستی بی برده اند کسه اگر ابتذال و بی فرهنگی از جامعه رخت بر بندند آنها دیگر نمیتوانند مانند اسلاف خود بر گرده ملت سوار شوند! مگر نمونه های کتاب سوزان را در تاریخ قدیم ایران و در عصر اشغالگران مغول سراغ نداریم؟ مگر وحشت ناشناختن را از کتاب و کتابخوانی ندیدیم؟ او و امثال او چرا وحشت میکردند و اصولاً کتابچه آگاهی ای مینواند بدهد که عوامل ارتجاع در مدد جلوگیری از آگاه شدن افراد جامعه ما برآمده اند؟ تازه! به این هم اکتفا نمیکنند ، یک روز به عنوان مذهبی و غیر مذهبی توطئه می چینند ، روز دیگر روزنامه فروش را مغلوب می نمایند و روزی نبی - وقبحانه شایع میکنند که در مسیر راه پیمائی بسمت گذاشته شده و از این طریق مردم بنگانه را هراسان میکنند! از چندی بسش تحریکاتی را علیه کردهای منطقه شروع کرده اند و آنه تحریکات ، مسلطه را مانند باروتی آماده انفجار نموده است . ما می گوئیم هر انسان اندیشمندی که مدعی است: این برنامه ها را مبابی فکری و عقیدتی او نشأت میگیرد صریحاً اعلام دارد تا خلق فهیمان ایران و به ویژه جوانان تکاب نیز صریحاً به ماهیت اصول اعتقادی وی پی سیرند! آناکسی که در خفا اقدام به آتش زدن و انفجار کتابفروشی بنماید شایسته لقب مرتجع نیست؟ ما نگبار دیگر از کله نیروهای مترقی میخواهم که در افشاء هر چه بسشتر ماهیت ارتجاعی عده ای که در لباس انقلاب دشمن آگاهی خلق هستند بکوشند و از اهالی شرافتمند تکاب نیز میخواهم خود در این باره داوری بنمایند!

از طرف گروهی از جوانان تکاب
امضا: محفوظ

وبازهم چهره گریه فاشیسم

در تاریخ ۵۸/۵/۷ مستبکی از طرف معلمین پیشکام آمل در مدرسه ای برگزار شده بود . نکه عد عوامل شناخته شده مبینگ را بهم میزبند و کتابها و اعلامیه های دفتر پیشکام را بیرون ریخته و در و پنجره را خرد میکنند . بعد از بهم زدن مسینگ یک کتابخانه بنام سویا که متعلق به پیشکام بوده کتابهایش را سوزانده و در رو پنجره اش را خرد میکنند بعد از آن جریان دور مدرسه (محل برگزاری مستبک) را با جوب و چماق محاصره کرده و محاصره تا اواخر شادامه داشته که با دخالت افسران خاتمه می یابد .

کامیون سز خاوری که حامل دانشجویان بابلسی شرکت کننده در مستبک ، بوده با سبکی که در آن کار گذاشته بود متعمر میشود و در نتیجه دست یکی ارماسران قطع و چشم یکی آسیب دیده و عده ای نثر زخمی میشوند .

هیئت حاکمه قول و قرارهای خود را در مورد تشکیل مجلس مؤسسان زیر پا گذاشته است

نهادهای نادرست جنگیدیم

انجام تظاهرات در این مکانها و سپس کشیدن این نظرات به خیابانها، از کار انداختن بمبافکن ها با دستکاری و تخریب در آنها، عدم احراز فرود بسه هواپیماهای مستشاران آمریکائی و... از جمله اقدامات انقلابی همافران مبارز در زمان رژیم شاه و قبل از آغاز قیام برشکوه سپن ماه می باشد. شکست دادن بورژوازی و حشیا نه گارد شاه خائن با جنبازی و عداکاری بسیار، بخش اسلحه بین توده های مبارز و فهیمان، فرار گرفتن در رأس نیروهای خلق برای مقابله با رژیم شاه و امپریالیسم... از دیگر اقدامات انقلابی همافران در زمان قیام می باشد. دست گرفتن مسئولیت حفاظت و امنیت مناطق حساس کشور، دستگیری بسیاری از عناصر ضد انقلابی ارتش، ضبط پرونده ها و مدارک ضد اطلاعات و تحویل آنها به دادستان کل انقلاب اسلامی (ولایت ایشان، اکنون، مدارک مدکور را تحویل مد اطلاعات اسیاء شده داده اند!)، تشکیل شوراهای درون ارتش از جمله اقدامات انقلابی همافران مبارز بعد از قیام محسوب میشوند. که در پینا پیش افسران و درجه داران مبارز و انقلابی به انجام آنها نائل آمده اند. حال، با توجه به پیشینه و سابق مبارزاتی و تشکل و آگاهی نسبی همافران بسیار طبیعی است که اولس هدف حمله دولتی فرار گیرند (۲) که خواهان بازسازی و احیای

(۲) - حالت سوچه است که ساد ارس جمهوری اسلامی ایران را آنجا که ساسان افسراد همافران اساحتی در اعلامه ای که بمناسبت راهپیمائی "وحدت" انصار میدهد از همافران نامی نمیدرد. امدامی که نامحالم و اعراض همافران روبرو مشود و منجر به صدور اعلامه حداکانه ای از طرف همافران دربار راهپیمائی "وحدت" نگردد. (در مورد راهپیمائی وحدت ما نظرم را در پیکار شماره ۱۳ آورده ام)

شورا و نظامیان

سربازخانه صالح آباد کرمانشاه

نظامیان سربازخانه صالح آباد کرمانشاه، طرحی را بعنوان "بیتن نویسان ساسانه شورای نظامی" انتشار داده اند که عطفی از مفاد آن در قسمت هدیه ها چنین است: "ساکری ارتش جمهوری اسلامی ایران و انصار در اس امر، نظارت دادم و مسمر بر اعمال و کارهای فرماندهی و سناد، فرماندهان در هر رده کله مسائل و مشکلات را ساسی شوراهای نظامی در میان گذاسه و تصمیمات اتحاد سده هنگامی مائل اجرائی که سسوری نظامی آرا نائند سعاد. در جوئگی ترکیب شورای نظامی آمده است: شورای نظامی در ساد کل ارسن جمهوری اس شرکت اعمای انسحای نیروهای سه گانه (رسمی - هوائی - درائی) تشکیل مسود و جمع اعضاء سورا ۹ نفر خواهد بود.

خدمت درسواک

سوء پیشینه نیست!!

علی ظاهر سکندار شخصی اس ساکن مشهد و کارمند سابق ساواک اردبیل، که در نامه ای به بازرگان (که البته با بسمه نعالی آعار شده) خواستار شعلی مناسبات و در عیس حال خواهان پرداخت حقوق و مطالبات عقب مانده اش شده است. تا اسجایش چندان جالب توجه نیست. بک ساواکی با توجه به رتوفس و مهربانی دولت بازرگان نسبت به ضد انقلابیون و خاشنین به خلق و از جمله به ساواکی ها، از دولت بازرگان تقاضای کار و حقوق عقب مانده اش را میکند و لسی آنچه که جالب توجه است نظر مسئولس پاسداران انقلاب اسلامی اردبیل است. اینان به آفای بازرگان توصیه کرده اند که به خواست علی ظاهر سکندار ساس منسب دهد. چرا که ایشان دارای سشینه سوء نمیشاند!! رهی بشیرمی و وقاحت! بلی وقتی ساواک با رساری و احساء میشود، وقتی از کارگاه ها ساواک و ضد اطلاعات ارتش بیاری کار (حساب) دعوت مشود، وقتی مجدداً شکنجه گران ساواک نکار گرفته میشوند تا انقلابیوسوی را که رماں رژیم شاه شکنجه کرده بودند دوباره شکنجه کنند، عمو ساواک بودن در زمان شاه نباید هم سوء سشینه تلقی شود. بلکه طبیعی تر آنست که سنعوان متبازی محسوب گردد و سمناسه حسن سشینه منظور شود.

است با ضاع شدن حقوق درجه داران، در حالیکه خواستهای ضد امپریالیستی همافران نه تنها منافاسی با حقوق درجه داران آزادخواه و ضد امپریالیست ندارد بلکه دقیقاً منافع آنها را سیز منعکس نمیشاند. مسئله اینست که خواستهای ضد امپریالیستی همافران با منافع امپریالیست و دولت حامی سرمایه داران در تضاد بوده و طبیعی است که از طرف آنان مورد مخالفت و کار شکنی قرار گیرد. همانطور که نا کنون قرار گرفته است. بنابراین پرسنل ارتش، افسران جزئ و درجه داران نبایستی مورد سوء استفاده قرار گیرند و در مقابل همافران مبارز بایستند. عوامل مرموز ما بین افسران چنین تبلیغات میکنند که همافران خواستار افسر شدن هستند و در صورتیکه خواستشان صورت تحقیق نبود بگیرد بنحو با رزی از اهمیت افسران کنونی کاسته خواهد شد. چرا که همافران دارای درجه ای همپایه آنها خواهد شد مضافاً اینکه از خصمی سرخوردار نسند که افسران کنونی فاقد آنند. به درجه داران هم می گویند که همافران از حقوق و مزایای زیادی برخوردارند اگر به مقام افسری هم ارتقاء یابند در ارتش از هر نظر بکه تاز میشوند و ادوقت شما (درجه داران) که تا کنون از لحاظ قدرت اجرائی فویتر از آنان بودید در این مورد هم تحت فرماندهی آنها قرار خواهید گرفت... و خلاصه بگونه ای تبلیغ میکنند که همافران میخواهند ارتش را بزیر سلطه و حاکمیت خود بکشاند و از دیگران میخواهند که از این سلطه طلبی و برتری جوئی مناسعت بعمل آورند. ولی همافران مبارز بایس تبلیغات حساب شده و نوطه های نفاق امکانانه چیسین پاسخ مینویند:

"... سورا سدی اسدر معال سوطه ها. آسا خواستن حسن سدی کاری ضد انقلابی است. مسرود سابع میکند که همافران به هس دلیل سسبه نص رسده اند که میخواهند افسر شوند. حداشاهد است که ما هرگز و در هیچ حاشی نگفتم که ما را افسر کند. همه مقامات لشکری از فرمانده سسروی هوائی گرفته سنا فرمانده سابق سناد بزرگ و وزیر دفاع سابق دولسرا سسعد از برری گفتند که شما ساساسنی اسر سوبد. حرن این حق شماست و ما حواب دادیم برای ما مهم نیست که حسی میشود. مهم اینست که جای حقیقی خود را در ارتش و در سلسله مراتب آن پیدا کنیم و مبارزه نکردیم که افسر عوم، ما برای از بین بردن سهادهای نادرست جنگدم... (آسندگان ۲۴ سر)

هدف از تمام این نوطه ها، تبلیغات، تضییقات و فشارها (مانند تحت فشار قرار دادن آنها برای استعفا و یا کوشش برای باز خرید خدمت آنها) بر همافران اینست که در آغاز و در ابتدای امر این نیروهای مبارز را که از تشکل و آگاهی نسبی هم برخوردارند از دیگر نیروهای ارتش جدا کرده، سرکوب کنند و سپس بسرا ع سایر پرسنل انقلابی و مبارز ارتش برونند تا ارتش مورد نظر مدرت حاکم، موجودیت خود را بازیابد.

چرا از همافران می هراسند؟

اما چرا کوشش میشود برای بازسازی ارتش، نخست همافران مبارز را متفرق کنند؟ قتل بدین سوال امر شایع و سبجیده ای نیست. همافران چه قتل از قیام، چه در جریان قیام و چه بعد از آن نشان داده اند که در برگیرنده آگاهترین و پیشروترین نیروهای نظامی هستند. آنها پیش از قیام از اولین کسانی بودند که در نیروی ارتش شاهنشاهی "تمرد" کردند و به سمت به خطر انداختن حان و مال خود و خانواده هایشان بسه مبارزه با رژیم منفور شاه و همپائی و هنگامی بسا جنبش عظم خلقهای ایران برداختند. مزس کردن در و دسواران پاکدگی که سها رهای انقلابی و ضد رژیم، بخش اعلامیه و تراکت در پاکدگانها و پایگاههای نظامی و

(۱) - یکی از نماسندگان همافران در نماسی ساس آسندگان با آور سد در حال حاضر گروههای زیادی در سسروی هوائی معول سوطه و سرامه برری برای رودر رو فرار دادن سرادران درجه دار سها همافران اند. سها همافران امدوارم که سرادران درجه دار ما تحت سانسر این گروه سوطه ها قرار بگیرد. حون در جمعیت حشیر ما و آنها یکی اسد و هدف ساکاری، محصوما ساکاری و سرکاری عوامل اسن افروز در سسروی هوائی - که ساسنامه هم نیستند... (آسندگان، ۴ سشسه ۲۰ سر). در جای دیگر: "رابط همافران سمدار داد... اسناد سس هماسر و درجه دار صاس سسروری هر دو گروه و نابودی سلطه محدد امپریالیسم بر سسروی هوائوسی خواهد بود." (آسندگان، ۵ سشسه ۲۱ سر)

ارتش با تمام نهادهای و ضوابط ضد خلقی گذشته است و اینجا دیگر بر عهده نیروهای مبارز و آگاه است که توده های خلق را نسبت به این سسبه که جزئی از کل ساسی اس که بر عهده خلق صورت میگردد آگاه گردانند. ما هبت ضد انقلابی ارتش را هر چه بسشتر برای توده ها بازگو کنند و حمایت آنها را از نیروهای انقلابی و مبارز ارتش و خواستهای سرحق آنها جلب کنند. به آنها بسا موزند که هیاهوی مضادر قدرت داسر بر تهدید خراجی، مورد محاطره فرار گرفتن مرزهای کشور همان ادا سس سیاست اسفا شده رژیم شاه خائن اس برای سربسب توده های مردم و سه و سزه توده های ارتش سربساران، درجه داران و افسران جزئ آنها را برای سرکوب سمدر سحت سنعوان خوش آب و رنگ سرکوب ضد انقلاب و سجز سسب طلبان بکار گیرند.

اکنون بسشازده روز است که نص همافران ساسه خواست آبت الله حشینی ساسان پذیرفته اس. بسگمان در نظر گرفتن سحت آبت الله حشینی از طرف همافران نقش موثری در تصمیم آنها مینی بر نکستن نص داشته اس. ولی همافران ما، و کله مردم ساسر ما ساسد بسا موزند که سصمیتا خود را با توجه به عملکورد سسستم حاکم اسناد کنند و نه بسا بر قول اس با آن شخصیت معتبر. اکنون در حالیکه آبت الله حشینی سسول رسدگی به خواستهای همافران را داده اس، ارتش برای سرکوب سسند خلق کرد خود را آماده میکند. اسسری که دفنقا معاسر خواستهای مد امپریالیستی همافران مبارز می باشد...

علل پیشرو بودن همافران

در باسان لازم میدانم که مختصری هم درباره علل مادی پیشرو بودن همافران در ارتش صحبت کنیم: هنگامیکه امپریالیسم آمریکا تصمیم به تسلیح هر چه بسشتر رژیم شاه جلال گرفت، ضرورت مدرنیزه کردن ارتش و تربیت کادراهای متخصصی که بتوانند، ابزار و وسائل پیچیده نظامی را بکار اندازند سیز مطرح شد و بدین ترتیب اسخدام نیروهای برای کادر فنی در دستور فرار گرفتن و "هامسری" بدین منظور سوسود آمد. اما از آنجا که همافران کارشان بگونه ای بود که می بایستی در مکانهای حساس و حیاتی کار کنند سرناسه این شد که آنها از قدرت اجرائی در ارتش محروم ساشند و فقط بصورت مهربان اوامر، انجام وظیفه کنند. اما این مسئله ساسطخ مدردک مورد لزوم هماسری - دبیلیم متوسطه - و در مقاسه با افسران چیزی نبود که کسی را بسوی همافری جلب کند. ساسراسن باید حشسوق و مزبائشی در هماسری باشد تا کمبوده اش را که یک هامر نسبت به افسر دارد از حشبه دیگری جبران کند. ساسا حوانانی که حیای کار هستند به این شغل جلب سشوند. این سواد که برای همافران حقوق و مزبائی قابل توجهی در نظر گرفته شد و در حالیکه از نظر رده بندی از افسران پائین تر بودند و حنی قدر با حوائی درجه داران را نیز نداشندد ومع مالی و رفاهی آنها از هردوی اس گروه ها بهتر بود. مزبانا و حقوق خوب، آنهم زمانی که سسکاری شدیدی دامنگیر حوانان سسلسمه در آن سالها (۴۸ - ۲۷) بود حوانان سساری را از روی احسار و برای امرار معانی سسوی نیروی هوائی و هماسری کشاند. و بدین ترتیب سساری که حوانانی که به هماسری آمدند سویزه در دوره های اولیه از روی احبار و نارفا - سنی و حنی اسشمال بود. اسن اجبار و نارغانی همراه سشد ساساحساس کمسودی که نسبت به افسران از نظر رده بندی داشتند. همافران در حالیکه از هر نظر خود را بالاتر از افسران میدیدند می ساسست نصبر فرمان آسان ساشند، این امر تاثیراتی بر روی همافران می گذاشد و سس نارفا بیستی آنها از ارتش و نظام پیشین می اسزود ولی سسکدام اسن عوامل سه اسداره شغل فنی و بسبجیده آنها و سسرون بودن تقریبی آنها از حشظه خشک روابط نظامی - در مقاسه با افسران و درجه داران - و اسنکه آنها سسشرکار دراهی می سسود ساس نظامی و سسز سرخوردگی روابط سسواسن ساس مستشاران نظامی آمریکائی و سی سرن به ماه سسنگلی و رالوصفتی آنها و سسدن معال ماشائی آنها در ارسن و احساین کسبه نسبت بسه آسان، در آماده کردن زمسه برای آگاه شدن آنان ساسا سوجه به تحولات اجتماعی و سیاسی حاسمه، اسرنداشت. مسافرت بساری از اس همافران به کشورهای اروپائی و آمریکا و سسدن آزادیهای بورژوازی در کشورهای مزبور و مقابسه آنها ساس اسناد سسداد زده سس سطح آگاهی اس فشر ارتش موثر بود.

ایماند ، که با لایحه در حزب طبقه کارگر متبلور خواهد شد . " سازمان چریکهای فدائی خلق " با مخدوش کردن مرز میان مبارزه طبقاتی و مبارزه ضد امپریالیستی ، با مخدوش کردن مرز میان حزب طبقه کارگر و تشکلهای م.ل. انقلابی عملاً موجود ، با توضیح واضحات درباره این که چه نیروهایی هوادار طبقه کارگر و ضد امپریالیست نیستند ، و با موضع گیری صریح نمودن درباره اینکه با لایحه چه نیروهای را ، هوادار طبقه کارگر و ضد - امپریالیست میدانند ، در پی دستاویزی برای توجیه مواضع سکتاریستی خود میباشد . مسئله عبارت از این است که این سازمان بطرز فرصت طلبانه ای ، از موضع - گیری صریح درقبال نیروهای انقلابی م.ل. طفره رفته و تحت اجبار و فشار و برای لاپوشانی مواضع سکتاریستی وسلطه - طلبانه خود ، به اتخاذ مواضع لغزان و ناخ و منسوخ یکدیگر مجبور میشود .

هما نظریکه قبلاً نیز ذکر کردیم ، تاریخچه مواضع تنگ نظران و انحصارطلبانه سازمان چریکهای فدائی خلق سه مدتیه پیش برمیگردد . و از آنجا که این سازمان اقدام به انتقاد از خود صریح و صادقانه نماند ، مثنی چریکی منحرف گذشته خود را واقعاً به نقد نکشیده و انحرافات ایدئولوژیک مکتون در آنرا نشکافته است ، خود دلیل دیگری بر ادامه کاری این سیاست ، بر جان گرانی و حتی تشدید آنهاست . برخورد غیر صادقانه این سازمان به امر انتقاد از خود در عین حال نمیتواند از هرگونه تمایل به حفظ و ادامه کاری سیاستهای گذشته (که واقعاً درک شده اند) ، اعمال ممنوعی هژمونی بر نیروهای دیگر جنبش کمونیستی و ادامه مواضع انحصارگرایانه خود خالی باشد . نمونه ای که امروز شاهد آنیم ، هوشی از یک سیاست کلی ، از یک عملکرد ایدئولوژی مشخص و در متن کار و فعالیت این سازمان نهفته است . ما در آینده خواهیم کوشید تا این سیاست ها و مواضع ایدئولوژی رابیشتر بشکافیم .

راهپیمائی اول

ادامه از صفحه اول
روستاها به آن پیوستند راهپیمایان در ظهر ۵۸/۵/۱۰ از شهر خالی شده مریوان عبور و به اردوگاه آوارگان رسیدند . در قطعنامه راهپیمایان سنج - مریوان چنین آمده است :
ما راهپیمایان درود و سپاس انقلابی خود را نشان همه گروههای سیاسی و شخصیتها و سازمان ها و نمایندگان خلقهای ستمدیده ایران میکنیم که در این راه - پیمائی ما با همرزم و همراه بودند و تصمیم و تعهد خود را مبنی بر اینکه پیوند مبارزاتی خلق کرد را با دیگر خلقهای ایران روز بروز مستحکمتر سازیم به همه مردم مبارز ایران اعلام می نمائیم .
ما لازم می دانیم بر نکات اساسی زیرمجددا تاکید نمائیم که :
۱ - اداره امور سیاسی و اداری و انتظامی شهر مریوان باید بدست شورای موقت انقلاب اسلامی و سپس بدست شورای منتخب مردم انجام پذیرد .

- ۲ - ارتش نباید در امور داخلی شهر مداخله نماید و وظیفه آن تنها حراست از مرزهای کشور است .
- ۳ - به توطئه های سیاسی و تبلیغاتی علیه مردم مریوان و خلق کرد باید خاتمه داده شود و حقایق اوضاع به اطلاع مردم ابلاغ گردد .
- ۴ - حق تعیین سرنوشت مردم مشابه یک حق انکار ناپذیر تمام خلقها باید برای همه خلقهای ایران بر رسمیت شناخته شود و خودمختاری بعنوان شکل مطلوب بر - خورداری مردم از حق اساسشان قبول گردد .
- ۵ - سیاست سرکوب و اعدامهای دسته جمعی خلق عرب خوزستان را شدیداً و از اعماق قلب محکوم می - نمائیم و ضمن تاکید بر وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور از اسراد اتهامات بر علیه خلقهای رزمنده و تحت ستم ابراز انزجار می نمائیم .

پیروز با دودخت انقلابی نما مسی خلقهای تحت ستم ایران نابود باد ارتجاع داخلی و وابستگان به امپریالیسم و صهیونیسم
۵۸ / ۵ / ۱۱



درد بر مردم قهرمان مریوان
درد بر خلق قهرمان کرد
درد بر شما که با ابتکار انقلابی خود در مقابل دولت سرمایه داران و انحصارطلبان کود ایستادگسی کردید . و از پافشاری بر روی حقوق طبیعی خود دست نکشیدید . درد بر شما که با استقامت و خلافت خود به انقلابیون و رحمتگان درس مقاومت و هوشیاری دادید . درد بر شما که با عزم آهنین خود در ادامه مبارزه برای تحقق خواسته های برحقان دولت سرمایه داران و حامیان انحصارطلب آنها را به عقب رانیدید و تسلیم شانتاژ و قلدری آنان نشدید . درد بر شما که با همبستگی خود به یکدیگر گوشه ای از قدرت بیگساران زحمتگان ایران را بنمایش گذاشتید . درد بر شما که با هوشیاری و عکس العمل به موقع خود از تبدیل شدن مریوان به سنج ، گنبد ، نغد ، یا خرمشهر بدست مرتجعین جلوگیری کردید . درد تمام انقلابیون ، تمام زحمتگان و تمام خلقهای مبارز ایران بر شما باد !
درد بر تمام مبارزانی که با راهپیمائی های تاریخی خود در کردستان ، صدای حق طلبانه مردم قهرمان مریوان و خلق کرد را بگوش خلقهای اسیران رسانیدند ، و در عین حال ما هیت سازگرا را هوشیار - انه دولت " انقلابی " و بلندگوهای تبلیغاتی اش را بیش از پیش افشا نمودند . و سرانجام درود و سپاس به کلیه نیروهای انقلابی و مترقی که مردم قهرمان مریوان و خلق دلاور کرد را مورد تائید و پشتیبانی معنوی و مسادی قرار دادند و تنگ و تنگ بر تمام کسانی که حقایق را وارونه جلوه میدهند و بر علیه خلق کرد و ... سایر خلقهای ایران توطئه میکنند .
پیروزی از خلق کرد است
پیروزی از آن خلقها است

راه پیمائی خلق کرد نجلی خواست عادلانه آنها در تعیین سرنوشت خود بدست خویش است



نقدی بر " طرح خود مختاری کردستان " شورای هماهنگی جمعیت های کردستان - ۲

تهیه شده توسط کمیته " کردستان سا زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

شرایط تحقق واقعی خود مختاری و نیروی تحقق بخشنده آن

نظرانه خرده بورژوازی و بورژوازی که در نهایت امر - طبیعی و ناگزیر تجزیه طلبان و مرتجعین می باشد ، فائق آمده و جنبش های ملی را در جهت محو ستم ملی و استقرار خود مختاری به مفهوم انقلابی و مترقی آن سوق دهند .
حال ، ببینیم طرح ارائه شده توسط " شورای هماهنگی ... " چگونه با مسئله برخورد کرده است ؟
به آنچه که در صفحه ۲۴ آمده است توجه کنیم :
" شورای هماهنگی ... دیدگاه طرح ارائه شده را ضروری و مفید برای حل مسئله ملی و استقرار ثبات در جامعه کنونی ایسران می داند و اجرای آن را در رابطه با تکامل و رشد مبارزات انقلابی و مترقیانه و آزاد - یخواهانه خلق کرد و دیگر خلقهای ایران مقدور و ممکن می بیند " . (تاکید از ماست)
در اینجا ما جز جمله ای کلی و مبهم چیز دیگری نمی بینیم ، در حالیکه هسته اصلی و اساسی مسئله در اینجا - ست که بین تحلیل علمی و مارکسیستی با تحلیل غیر علمی مرز بندی می شود ، هر چند که تمایل به برخورد علمی با قضایا در بین باشد . برای تاکید در مورد آنچه در بالا آمد متذکر می شویم که در قطعنامه حزب بلشویک در باره مسئله ملی چنین آمده است :
" اگر بزاید اختن ستمگری ملی در یک جامعه سرمایه - داری امکان پذیر باشد این نقطه هنگامیست که در آن کشور نظام جمهوری دمکراتیک پیگیری حکمفرما باشد که برابری نام و تمام حقوق کلیه ملل و زبانها را تأمین نماید "

وابستگی کامل و همه جانبه کشور به امپریالیسم و بافت اقتصادی جامعه که وجه تولید سرمایه داری نقش غالب را در کل روابط تولیدی موجود ایفا می کند و همچنین بسیاری عوامل تاریخی و جهانی دیگر ، سرنوشت خلقهای ایران را بطور ارباط نزدیک و بهم پیوسته ای هر یکدیگر پیوند زده است . در چنین شرایطی رهائی هر یک از خلقها از یوغ وابستگی و ستم و استثمار ضاعف ملی که خود حاصل تسلط امپریالیسم بر شعشون اجتماعی میهن مان است بدون رهائی کامل کلیه خلقهای ایران و بدون شکست امپریالیسم در سطح کشور بهیچوجه امکان پذیر نمی باشد .
غالبیت وجه تولید سرمایه داری در بافت اقتصادی جامعه ، در بطن روابط ارگانیک و بهم پیوسته ای کارگر و بیش از یک میلیون کارگر صنعتی را پرور داده و این رسالت را به عهده وی گذاشته است که زحمتگان شهر و روستا ، اقشار متوسط جامعه و خلقهای تحت ستم را بدو و خود جمع کرده و جنبش توده ها را تحت رهبری حزب طبقاتی خود یعنی حزب طبقه کارگر ، تا نایل به پیروزی نهائی هدایت و رهبری نماید . جریان زندگی در طول چند ماهی که از انقلاب اخیر می گذرد ، بار دیگر صحت گفته های بالا را اثبات کرده و با برجستگی تمام نشان داده است که چگونه بورژوازی به خلق خیانت می کند و خرده بورژوازی نیز ضعیفتر و زبون تر از آنست که بتواند پرچم زمین رهائی خلقهای ایران از قید سلطه و نفوذ امپریالیسم را در دستهای لرزان خود برافراشته نگذارد . بار دیگر این واقعیت مسلم آشکار می گردد که در عصر کنونی تنها در صورت اعمال رهبری طبقه کارگر بر کل جنبش و استقرار جمهوری دمکراتیک خلقهای ایران است که پیروزی نهائی تأمین شده و خلقهای تحت ستم می توانند بر تجزیه - طلبی و ارتجاع فئودالی و همچنین ناسیونالیسم تنگ -

یا در جایی دیگر نشین می گوید :
" مالکین ، سرمایه داران و خرده بورژوازی بمنظور حراست امتیازات طبقاتی خویش و ایجاد افتراق بین کارگران ملیتهای مختلف از سیاست ستمگری ملی که میراث حکومت و رژیم سلطنت است پشتیبانی می نماید . امپریالیسم معاصر که بر کوشش خود برای تابع نمودن ملل ضعیف می افزاید عامل جدید تشدید ستمگری ملی است " (قطعنامه در باره مسئله ملی) . بنابراین چگونه می توان از کنار امر بدین مضمون گذشت و تنها به کلی گویی و مبهم گویی اکتفا نمود . عدم طرح صریح و روشن شعار جمهوری دمکراتیک خلق در تحقق واقعی خود مختاری همواره این خطر را در بر دارد که مسئله ملی را از مسئله طبقاتی جدا نموده و توده های زحمتکس را بدنباله روی از نفوذ آنها ، بورژوازی و خرده بورژوازی وادار وقت شعاع جمهوری دمکراتیک خلق در طرح شورای هماهنگی داده نمی شود ، این بدان معنی است که در حال مسئله ملی و خود مختاری ، رهبری پرولتاریا مورد قبول نیست و همچنین به معنی دنباله روی از بورژوازی و خرده بورژوازی نیز هست . همانطور که عدم موضعگیری صریح و روشن شورای هماهنگی در مورد شعارهایی که حزب دمکرات مطرح می کند و عدم افشا و طرد آن ، نشان می دهد .
کافیست برای درک تاثیرات سوء سیاسی این دنباله روی نگاه می به شکستهای جنبش خلق کرد بیافزاییم . عدم طرح همه جانبه ، انقلاب دمکراتیک ، د ، اتحاد

رادیو، تلویزیون، خلع سلاح حامیان سوموزا را با خلع سلاح انقلابیون ایران یکی میدانند!

در هفته گذشته چند "تفسیر" از رادیو میوه - چنان انقلاب پخش شد که نشان میداد هیئت حاکمه فعلی تنها به تحریف انقلاب ایران بسنده نمیکنند و تنها انقلاب ایران نیست که از دریچه چشم لوج و یکجانبه‌نگر بورژوازی حاکم، وارونه و بر ضد اهداف انقلابی توده‌های ستمدیده ایران معرفی میشود، بلکه انقلاب نیکارگونه نیز وارونه و منحن معرفی میگردد .

از دیدگاه این رادیو، راه موفقیت انقلاب نیکارگونه طرد عناصر و جریان‌های رادیکال (یعنی انقلابیون ضد امپریالیست و کمونیستها) از داخل دولت است . هم چنین این رادیو ، دستور جمع آوری اسلحه از دست مزدوران سوموزا را با توطئه خلع سلاح نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست در کشور ما یکی میدانند . هم‌اکنون رادیو، روزنامه جمهوری اسلامی هم در خورده ۱۱ مرداد خود به معنوع خوشی دیده است که خوانندگان خود را به اطلاع از این امر مفتخرکنند که "دولت نیکارگونه از آمریکا سلاح درخواست کرده است تا از خود در برابر ضد انقلاب دفاع کند" . ما به میزان صحت و سقم این خبر کاری نداریم زیرا به فرض صحت آنهم، آنچه مهم است اینست که اولاً چه کسی و با چه پایگاهی با آمریکا رابطه و مراد دارد ؟ انقلابیون ویتنام هم رابطه‌شان را با آمریکا - جلاذ خلقان - هرگز ندریدند . اما خلی فرق است بین رابطه ویتنام و آمریکا با رابطه نیکار - گوئه و آمریکا با رابطه دولت "انقلابی" ایران با آمریکا ، زیرا به قول ویلیام سولیوان ، سفیر سابق آمریکا به هنگام ترک ایران : "تهران سابقون آمریکا تپتیا نبوده است . " ثانیاً اینکه مفهوم "ضد انقلاب" از دید ساندنیستها و دید این حضرات ۱۸۰۰

درجه با هم اختلاف دارد . آنها امپریالیستهای یانکی و عمال آنان یعنی دوردسته سوموزا و ... را ضدانقلاب میدانند و حضرات غاصبان قدرت در ایران ، نیروهای خلقی و کمونیستها را ضد انقلاب می‌شناسند . اینها دیگر کاری به ساواکها و فتودالها و سرمایه داران وابسته ندارند و وقتی هم که داشتند نجف‌فشار توده‌ها بود . الان ساواکها راست‌راست در خیابانها می‌چرخند و "حقوقشان" را میگیرند چراکه ساواک دارد بازسازی میشود ، ارتشهای ضد خلقی و جنایتکار در پستهای خود ایبقا می‌شوند و رکن ۲ هم بازسازی میشود . همچنین از سد این حضرات ، مژودالها هم ضد انقلاب نیستند و حتی زمانیکه مانع کار دهقانان میشوند و آنها را به گلوله می‌بندند و یا کتجنج مدهند دولت و شرکای صدرات جانب‌فتودالها را می‌گیرند . (برای نمونه رجوع کنید به پیکار شماره ۸) سرمایه‌داران وابسته هم دعوت به بازگشت میشوند (و به آنها تمسین داده می‌شود (رجوع شود به سخنان مولوی رئیس‌بانک مرکزی (۱) از نظر سابقه قدرت در ایران اینها ضد انقلاب نیستند بلکه ضد انقلاب نیروهای منرفی ، طرفداران خلق و کمونیستها هستند که هر روز برای آنها ناپوش و تهمتی تازه درست میکنند ، یک روز قاچاقچی اسلحه -

رادیو تلویزیون، به انقلابیون نیکارگونه درس ارتجاعی میدهد

روز دیگر جاسوس‌روز دیگر منحرف و عمال خارجی و تجزیه‌طلب و روز دیگر عامل به آتش‌کشدن خرنهها ، و البته همه این تهمتها برای بوجود آوردن شرایطی است که طی ۲۴ ساعت فاحشه همان را باخوانند " و ... (۱) کافی است یک نگاه احوالی به برخی از مسوود برنامه جبهه آزادبخش ملی ساندنیست برای نیکارگونه جدید (مندرج در آئندگان ۱۰ مرداد جاری) بنیاندازیم تا معلوم شود که نقطه‌نظر دولت انقلابی نیکارگونه و دولت به اصطلاح انقلابی ایران چقدر با هم متساوی دارند - تفاوتی از زمین تا آسمان . آتوقت معلوم خواهد شد چرا رادیو تلویزیون انحصارگران قتل ، این چنین، حتی انقلاب خلق نیکارگونه را نیز لجن مال میکنند .

۱- ما از تمام اموال خاندان سوموزا سلب مالکیت میکنیم . خلق نه کتک اس مؤسسات (سلب مالکیت) نه سود حوش ، نه امر تولد خواهد پرداخت ، کارگران و کارمندان مؤسسات نامرده در کنترل و اداره امور این مؤسسات شرکت خواهد کرد .

۲- آیا خلق ما از کم و کیف اموال هنگفتی مصادره شده " خاندان پهلوی و ثروتی استغنی‌اعوان و انصار و سرپردهگان رژیم سابق که هم چنان در دست صاحبان آن باقی مانده خبری دارد ؟ آیا خلق چیزی از آنها مصادرتا بتوان از مشارکت خلق در اداره آنها بود خویش سوال کرد ؟ اما " رهبران واقعی نیکارگونه و ارتش ساندنیستها و کلبته‌های دفاع شهری ... قصد دارند همه قدرت را به خلق تفویض کنند چه از نظر اقتصادی و چه از نظر سیاسی " (نقل از مقاله لوموند در آئندگان ۹ مرداد)

۳- ما اسلحه‌های روسی را خواهیم کرد . (رمن های مصادره شده) با سلفهائی که بی رمن اند و تمام کسانی که مالدروی رمن کت و کارکنند مسم خواهند شد . (۲)

۴- آیا دولت موقت انقلاب اسلامی چنین کاری کرده یا برعکس دهقانانی را که خود و سر حق ، زمینهای بزرگ مالکان و خانواده سلطنت را کشت کرده بودند از زمینها بیرون کرده است ؟ اینرا از دهقانان ستمدیده ترکمن صحرا ... باید پرسید !

۱) - اما در نیکارگونه :
" شرکای اقتصادی دولت که مخالف سوموزا بودند ... اینک در تلاش‌گرمس اعنار از برد خارجان اند ما در نارساری فعلی سهم شود . البته اس رمای متواضع عملی شود که تمسین لرم را از حاس‌رزم حدت درصاف دارند . علائمی وجود دارد که رژیم کسوسی قصد دادن این تمسین را ندارد ."
(آئندگان ، ۹ مرداد ، ترجمه مقاله ای از لوموند در باره نیکارگونه)
۲) - توجه خواننده عزیز را به اس کچه حلب‌مکنم که آوردن سرمایه انقلابی حبه ساندنیستها و معاسه آن‌ها بر نامه دولت ایران الزاماً به معنی نایبدا ار سرمایه حبه ساندنیستها نیست . و ما به نواصی‌اس

جمهوری دمکراتیک خلق و لذا حل صحیح و انقلابی مسئله ملی و عدم تبلیغ و ترویج آن در بین توده‌ها

سنگله ملی و عدم تبلیغ و ترویج آن در بین توده‌ها سبب زحمتکش ، انداختن توده‌ها بدامن سازندگان و ناپیکر - ان ، در امر جنبش ملی خلق کرد است که در نهایت حاصلی جز شکست و تلخکامی برای توده‌ها را در برندا چیزی که خود شورای هماهنگی بدان اذعان دارد : " از آنجا که توده زحمتکش کرد به سبب شرایط تاریخی خویش نتوانسته است آگاهی و تشکل لازم را داشته باشد ، بالطبع نتوانسته است رهبری مبارزه ملی را بدست آورد و یا در دست خود نگهدارد . گاهی امیران و فتودالها ، زمانی روحانیون و رهبران مذهبی نیز گاهی بورژوازی ضعیف ملی در اس جنبش قرارگرفته‌اند " ص ۴ شورای هماهنگی جمعیت‌ها این موضوع را خوب می‌بیند . ولی بنظر می‌رسد که درسهایی لازم از آن فرا نگرفته است و باز هم به کلی‌گویی و ابهام افتاده است : " با توجه به این تجربه تاریخی و موارد فراوان مشابه آتست که شورای هماهنگی جمعیت‌های کردستان مبارزه در راه رفع ستم ملی را جدا از مبارزه در راه برقراری عدالت اجتماعی و استقرار دمکراسی واقعی در سرتاسر ایران نمی‌داند ، مبارزه با غاصبین حقوق ملی نمیتواند جدا از مبارزه بر علیه ارتجاع داخلی کردستان باشد " ع طرح صحبت از دمکراسی واقعی می‌نماید ، اما ببینیم منظور از دمکراسی واقعی چیست ؟ در پاراگراف آخر صفحه ۱۳ چنین آمده است : " این انقلاب باید ابراز آزادانه اندیشه و اراده تمام مردم ایران را آنچنان میسر سازد که جوهر دمکراسی ، یعنی تحقق حکومت اکثریت امکان مخالفت اقلیت‌تأمین و تضمین گردد " . (تأکید بر روی جملات از ماست) . ولی مفهوم دمکراسی برای

م. ل. ها در سیستم جمهوری دمکراتیک خلق چیست ؟ در چنین سیستمی دیکتاتوری دمکراتیک خلق به اجرا در می‌آید یعنی دمکراسی برای خلق و دیکتاتوری برای ضد خلق . اما " اقلیتی " که رفق در طرح خود مختاری امکان مخالفت را تأمین و تضمین کرده‌اند چه ماهیتی دارد و در صفت بندی خلق و ضد خلق چه مقامی را داراست . روشن است که این " اقلیت " در صفت خلق قرار نمی‌گیرد چرا که در چنین صورتی موضع اقلیت داشتن بی معنی خواهد بود ، در نتیجه این " اقلیت " الزاماً موضع ضد خلقی خواهد داشت ، لذا نه تنها پرولتاریا بلکه یک نیروی دمکرات نیز هیچگاه نمی‌تواند و نباید منافع چنین جناحی را تأیید و تضمین نماید . با ایسن توضیح باید پرسیده شود آیا چنین برداشتی از دمکراسی استنباطی لیبیرالی نیست ؟

ما می‌توانیم در این موضوع صریح‌تر می‌تواند در سنگری هرچه بیشتر اس دولت سوی وابستگی نه امپریالیسم و ضدیت آن با انقلاب مردم ستمدیده ساندندی داشته باشد ؟
همینجا باید پرسید که کدام وجه مشترک بین دولت موقت جمهوری اسلامی و جنبه ملی ساندنیستها وجود دارد ؟ و آیا آنچه رادیو تلویزیون در باره انقلاب نیکارگونه و " شباهت " آن‌ها وضع ایران می‌گویند ، جز تحریف و خیانت

سخنرانی رفیق آلابوش خودمختاری برای کردستان بر زمینه دیکتاتوری بورژوازی دوسراسر ایران وصله ناهمگون است

رفیق مرتضی آلابوش سخنان خود را با ارزیابی کوتاهی از سیاستهای دولت و هیئت حاکمه، طی شش ماهی که از قیام بهمین میگذرد آغاز کرد و ابتدا ضمن تشریح علل شرکت ۷ گروه و سا زمان انقلابی از جمله سازمان ما در مورد مجلس "خبرگان" گفت:

"طرح قانون اساسی و انتخابات مجلس "خبرگان" بر خلاف آنچه که تمامی تبلیغات دستگاه حاکم سعی می کند جلوه دهد، نقطه عطف و گذار از یک سیاست موقتی به سیاستی کاملاً متفاوت نیست، بلکه حلقه ایست از زنجیر سیاستی که ماههاست از طرف طبقات حاکم دنبال می شود. رفیق در ادامه سخنان خود ضمن اشاره تصویری از عملکرد ششماهه هیئت حاکمه به افشای مواضع دولت در مورد کارگران و دهقانان پرداخت و سپس با تأکید بر لزوم حل مسئله ملی یادآور شد که از نظر دولت "خودمختاری برای کردستان بر زمینه دیکتاتوری بورژوازی در سراسر ایران، وصله ناهمگون و نامتناسبی خواهد بود. از این رو در برابر اوج جنبش خلقهای ایران و در پیشاپیش آنها خلق کرد، پاسخی جز سرکوب، ریاکاری و تسویه ندارد. و حتی با بشیرمی تمام "قباده موقت" را مهمان دولت می خواند!"

آنگاه رفیق مرتضی آلابوش به افشای انحصارطلبی و انحصارطلبان پرداخت و پرده از چهره کریه عنا صر مشکوکی که در اسرارگانهای مهم دولتی قرار گرفته اند برگرفت. رفیق در قسمتی از سخنانش متذکر شد "مجلس خبرگان" و قانون اساسی، چیزی جز بیج و مهره ای از ماشین تبلیغاتی و دستگاه فشار بورژوازی نیست. هدف از این قانون و از این انتخابات، تثبیت و رسمیت دادن به اعمال انحصارطلبانه و سرکوبکردن در همه زمینه هاست."

رفیق آلابوش با کاندید هفت گروه و سازمان انقلابی ضمن ابراز نگرانی از اقدامات هیئت حاکمه یادآور شد که:

"بازسازی ارتش و اطاعت کورکورانه، احیای سازمان امنیت، پیدایش گروههای شبه نظامی و شبه فاشیستی، فعالیتهای سیا و شکنجه گران، ایجاد نیروی ویژه کارخانهها و غیره، همگی مظاهر یک روند واحد هستند و آن سر بر آوردن دستگاه دیکتاتوری عریان بورژوازی از خاکستر دستگاه اختلاف شاه است."

رفیق آلابوش در ادامه سخنانش سیاست خارجی دولت را که آشکارا با اهداف جنبش ملی و دمکراتیک خلق ما در تضاد است، به یاد حمله گرفت. و از تمایل مقامات دولتی در جهت حفظ مناسبات گذشته با امپریالیستها و بویژه امپریالیسم امریکا، اظهار نگرانی نمود. تقسیم مصنوعی جامعه ایران به مذهبی و غیر مذهبی که تنها می تواند در خدمت منافع امپریالیستها باشد موضوع دیگری بود که رفیق آلابوش در ادامه سخنانش بدان اشاره نمود. وی گفت:

"بورژوازی از مدتها پیش چنین مصلحت دیده است که از نفوذ مذهب و نهادهای مذهبی در جامعه ایران بخوبی می توان برای رسیدن به مقاصد خود استفاده کرد و اقتدار وسیع زحمتکشان را بخدمت گرفت. "اجرای چنین سیاستهای مزورانه ای اثرات دیگری نیز بدنبال داشته است که از آن میان دنباله روی گوسفند وار رویزیو-نیستهای حزب توده قابل ذکر است. چیزی که این آستان بوسان قدرت را وامیدارد تا الله اکبر گویان در کنار راست ترین محافل مذهبی، دشنامهای چندی آورده و اینان را به آرمان کمونیسم پدیرا باشند."

رفیق مرتضی آلابوش، سپس به موقعیت ذهنی توده ها اشاره کرد و متذکر شد که "توده هادراکتیویست خود، هنوز به ماهیت واقعی دولت و جهت گیری آنسی آن پی نبرده اند و طرح های تخیلی و تخدیرکننده محافل سیاسی حاکم راه نجات خود می پندارند. "رفیق در پایان ضمن اشاره به وظیفه خطر کمونیستها، به لزوم وحدت نیروهای مارکسیست-لنینیست و وحدت عمل و همکاری آنها با همه نیروهای دمکرات و ضد امپریالیست تأکید نمود. سخنرانی رفیق در میان شور و شوق حاضران و با شعار "پرتوان باد مبارزه توده ها بر علیه ارتجاع و امپریالیسم" پایان رسید.

میتینگ روز پنجشنبه ۱۱ مرداد ماه چگونه برگزار شد؟

"مالکیت شخصی که از رامنشروع بدست آید محترم لحدت و حدود آن را قانون معین میکند."

"هیچ ملکی را نمیتوان بعنوان نیاز عمومی از صاحبش گرفت. مگر با تصویب قانون و پرداخت قیمت عادلانه آن."

"دان امتیاز تشکیل شرکت ها و موسسات عمومی و اعطای امتیاز انحصار در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن از طرف دولت، بدون تصویب مجلس شورایی ملی ممنوعست."

"استخدام کارشناسان و مستشاران خارجی از طرف دولتی در حد امتیاز و بضرورت باید بتصویب مجلس شورایی برسد."

آری، انتظار ری که ما کارگران و زحمتکشان داشتیم. یعنی انتظار قطع کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم امروز بر عکس آن عمل میشود و پیش نویس قانون اساسی راه را برای بازگشت انحصارگران و تحکیم موقعیت آنها، یعنی تحکیم جنگلهای آنان بر کرده مردم زحمتکشان ما باز میگذارد در مورد حقوق ما کارگران نیز وضع بهتر از این نیست بیش از دو میلیون کارگر بیکار، هنوز کاری پیدا نکردند گرسنگی و بیماری خود و خانواده آنها را تهدید می کند. اعتراضات آنها با گلوله و تفنگ پاسخ گفته می شود و بی توصیه می شود که صبر کنید، ما باین زود بها نمی توانیم

خلاصه سخنرانی رفیق ابراهیم نظری جمعیت شعاری داد: کارگر قهرمان، درود خلق ایران بر توباد

رفیق نظری در میان احساسات جمعیت شروع به سخنرانی کرد و پس از اشاره به دانشگاه بعنوان سنگر مبارزه، سخنانش را با این سؤال آغاز کرد که:

"در سالهای گذشته چه طبقه ای ستم دیده ترین طبقه بود و در فلاکت بارترین وضع زندگی می کرد..."

او سپس به رنجی که طبقه کارگر متحمل می شد و در مقابل کمترین دستمزدها را می گرفت، اشاره کرد و گفت: "قبل از سال ۵۰ حداقل دستمزد کمتر از ۲ تومان و در سال ۵۷ حداقل آن ۲۱ تومان بود... دیگر نمی توانستیم به آن شیوه سابق زندگی کنیم و بدیم که بر اساس همین نارضحتی های زندگی چگونه مبارزه ما کارگران و همچنین دهقانان و زحمتکشان شهری آغاز شد... بیاد بیاریم اعتصابات خونین و شکوهمند کارگران مبارز جهان چیست را در سال ۵۰ و ایران و لندون را در سال ۵۳، نساجی شماره ۲ شاهی در سال ۵۴ و نساجی اصفهان در سال ۵۵ و کارخانجات نساجی بافکار، چیت ری، ممتاز و چند

رفیق نظری: دیگر نمی توانستیم به شیوه سابق زندگی کنیم... ● کارگران آگاه و مبارز، یکسال و نیم در آتش و خون ● کافی نیست که طغیان راه زبانه دان انداخته باشیم ● خیانت های حزب توده ● پیش نویس قانون اساسی راه را برای بازگشت انحصارگران بازمی گذارد.

خرابیها را جبران کنیم. بما کارگران پاسخ داده میشود که شما کم حوصله هستید. مصالح ملی را در نظر نمی گیرید و فکر مادیات هستید. واقعاً که شرم آور است. ما هم گرسنه را تحمل کنیم. فشار و قرض و قوله ها را تحمل کنیم. در مقابل خواست زن و فرزندتان خود سرفاکنده باشیم. اما سرمایه داران از یک میلیارد میلیارد اعتبارات و پول های دولتی برخوردار شوند. همین دویز بود که روزنامه ها نوشتند نزدیک ۲۰ میلیارد ریال کمک به صاحبان صنایع یعنی سرمایه داران پرداخت خواهد شد. این دو مین باری بود که به سرمایه داران از جانب دولت کمک می شود..."

رفیق در اینجا به پیش نویس قانون اساسی اشاره کرد و چنین گفت:

"در پیش نویس قانون اساسی هم، سرمایه کارگران را خواسته اند شیره بمالند، آنها نوشته اند که ما مخالف استثمار هستیم و لیکن سرمایه داران هم چنان میتوانند سرمایه دار باشند و هیچکس حق تعرض به آنها را ندارد... دولت از مالکین در مقابل دهقانان دفاع می کند. با فئودالها و دارو دسته های ارتجاعی نظیر قیاده موقت عملاً علیه دهقانان و خلقهای زحمتکش ما متحد می شود. شوراها و اتحادیه های دهقانی را سرکوب می کند و دست فئودالها را بجان و مال آنان بازمی گذارد."

رفیق در مورد ارتش به نمونه هایی اشاره کرد و گفت:

"... چریکهای نیکارگوته ارتش سوموزا را داغان کردند، متلاشی کردند و با اتکا بر سازماندهی و نیروهای چریکی خود یک ارتش خلقی از رزمندگان خلق نیکارگوته یعنی از آنانیکه در مبارزه تاریخی شان در مقابل ارتش مزدور سوموزا ایستادگی کرده بودند، درست کردند نه مثل دولت موقت اینجا که فقط عناصر شناخته شده شان را اعدام و یا بازنشسته کرد ولی ترکیب آن را بهمانگونه که بود حفظ کرده و برای سرکوبی خلق کرد و ترکنم و جاهای دیگر آماده نمودند. همگی می دانیم شاکر کجا نشین فرید چه شخصیتی در نظام طاغوتی گذشته داشت و امروز چه پستی را باو داده اند."

او سپس سخنان خود را چنین ادامه داد:

"بما می گویند در کجای دنیا، پس از انقلاب چنین آزادیهایی وجود داشته است؟ اتفاقاً ما هم همین سؤال را از دولت داریم... چرا این آزادی را به سرمایه داران داده اید، چرا اینقدر آزادی به زمینداران و

صد کارخانه های دیگر در تهران... دیدیم که کارگران آگاه و مبارز، که در شرایط سخت و سیاه سلطنت شاه خاکن با نهایت فداکاری همراه با روهای خلقی جامعه مان. دهقانان و زحمتکشان شهری و روشنفکران انقلابیان، مبارزه را آغاز کردند. دیدیم که کارگران آگاه و مبارز در یک سال و نیم اخیر در میان آتش و خون در پیشاپیش دیگران شهادت و مجروح شدن دهها رفیق و هم رزم کارگر خود را در مقابل چشمان خود دیده اند... دیدیم که کارگران در مدت یکسال و نیم اخیر همراه با نیروهای خلقی جامعه مان زندگی آرام را بر سرمایه داران و مستعمران جامعه مان تنگ کرده و پشت سر هم در اثر جانبازی خود آنان را از ایران فراری می دادند."

رفیق سپس اشاره کرد که:

"خواسته های ما دو چیز بود یکی استقلال، یعنی اینکه تمام استثمارگرهای خارجی و نوکران داخلی شان را از ایران بیرون بریزیم، خواستی که در پیش نویس قانون اساسی خیری از آن نیست، بلکه بر عکس تضمینهای لازم و کافی با آنها داده شده است و دیگر آزادی و دمکراسی. آن موقع این چیزها را اغلب ما احساس می کردیم ولی هنوز خوب تفهیمیده بودیم و هر چه بیشتر می گذرد بهتر می فهمیم. اما امروز چه شده است... می بینیم که تنها از مبارزه، حاصلی که برای ما کارگران و زحمتکشان مانده است، همان خونها، همان شهادت و همان کوششها و تلاشهاست. خواسته های اساسی و ریشه ای ما نیست، خواسته های جزئی همچنان بقواموشی سپرده میشود و پشت گوش انداخته می شود. مبارزات حق طلبانه و مسالمت آمیز ما در بسیاری موارد با گلوله و خشونت پاسخ داده می شود... بر رادیو و تلویزیون سانسور حاکم شده، به مطبوعات تبه احزاب و جمعیت ها از طرف دستجات مختلف وابسته به هیئت حاکمه حمله می شود و دولت نیز با سکوت، آن را نظاره می کند."

ما می بینیم بجای قطع سلطه و نفوذ امپریالیستها، بجای افشای کامل قرار داد های محرمانه بجای سرکوب قاطع کلیه وابستگان به امپریالیسم و رژیم سابق، با آنها با مامشات و سازش رفتار می شود و حتی زمینه چینی می شود تا نفوذ امپریالیسم را در ایران تحکیم نموده و باز هم میهن ما را به خون یغماي انحصارگران و دزدان و جنایتکاران بین المللی تبدیل نمایند. در اصل ۴۰ و ۴۱ و ۶۲ و پیش نویس قانون اساسی می خوانیم:

قانون اساسی باید حافظ منافع زحمتکشان باشد، نه سرمایه دار

آقای چمران کیست؟

این دولت را چنین معاونی سزاست، اما این انقلاب را...؟

رهبران و کادرفهای انقلابی و سازش‌ناپذیر مقاومت فلسطین متوجه کرد. او که ابتدا به اصطلاح برای شرکت و همکاری با مردم فلسطین به لبنان آمده بود چند هفته نگذشت که به یوگسلاوی توده‌های ستمدیده و آواره فلسطین با سزا می‌گفت و آنها را بی تمدن و مستحق چنان وضعی می‌دانست!

دکتر چمران هرگز حاضر نشد ۳ عضو ساواک را که در دستگاه موسی صدر نبود و بعنوان کارمند زیر دست چمران کار می‌کردند از کار اخراج کند و علیرغم آنکه ثابت شده بود که آنها عمو ساواک هستند و در جنوب لبنان نه فقط علیه مبارزان اسرائیلی بلکه علیه فلسطینی‌ها و نه سجع اسرائیل هم فعالیت می‌کردند چمران حاضر شد حتی آنها را افساء کند و با دست انقلابیون فلسطینی سپارد تا حسابشان را برسند. حتی جنات ناموسی یکی از آنها علیه یک دختر روسانی را سرپوش گذارد و نیز مانع شد که همسر فردا ساواکی (موسوم به جعفر اهلل کاشان که در آن مدرسه فلسطینی نامدمداد) در رابطه با ربر گرفتاری یک پسر سه لسانی و کشته شدن او سه زندان بیاید. او در شرایطی که نبرد سرخوش سربین نیروهای مترقی لسانی و فلسطینی از یکطرف و اسراشیل و فالانژیستهای لسانی از سوی دیگر جریان داشتند، زمانی که تفکر سکتارستی منی سر دسته تندبها سی طائشی و مذهبی لبنان را چون غوره میخورد دارودسته فاسستی "امل" را بدستور موسی صدر براه انداخت.

طبیعه این گروه "امل" چه بود؟ کارکنی در راه انقلاب فلسطین، آماده‌گی برای درگیری با نیروهای مترقی لبنان، همکاری با فالانژیستها، تاششد و استقبال از سهاجم وحشیانه سوریه به مقاومت فلسطین در ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) که سقوط محله "النسعه" دست‌مها حمن سوری و فالانژیست‌نهای با حسانت گروه "امل" امکان‌پذیر شد. گروه "امل" که ماهیتش مردم ستمدیده شیعه جنوب لبنان افساء شده بود. مورد تفرغ نیروهای مبارز جنوب بود و هرگز نتوانست در کارش پیشرفت می داشته باشد و با بصورت یک نیروی قابل ملاحظه در آبدو حالا که در نتیجه هشیاری مردم لبنان در آنجا کاری از دستش برنمانده راهی ایران گشته و با استفاده ناسحق از رادبولتویزیون به تبلیغ برای خود می پردازد، برای چمران که ناگهان و از برکت ناگامی این "انقلاب" به مقام حاشیمنی نصبری... و دست مشغول آموزش نظامی به نیروهای فریبی دساراسته می‌شد. برای سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیست‌ها آماده گردید.

اما روبا‌های آقای چمران و همدستان و اربابان او هرچند که بکشوند تا به آخر تفسیر نخواهد شد. فانوس ارتجاع و فرصت طلبی در برابر طوفان انقلاب دوامی نتواند آورد. همانگونه که در گذشته بی‌زیا سگهای این حصرات هرگز نتوانست انقلابیون ایرانی را که ناگزیر در خارج کشور بودند و علیه رژیم شاه مبارزه می‌کردند، بفرسد.

آری، نطاری نکسو و ماسنی ریخت و جهان بکام کاسه لبنان گشت. مردم ایران تمام کردند و انقلاب را در قدمهای نخستین به بی‌وزی رساندند اما دزدان کمین کرده، راه را سر رسیدند، دردانی که بنا به همین طبقه‌بانشان - اگر از اول هم آلت دست نبودند - سر اجامت را خود را در دامان امیرالاسم، در صف ضد خلق می‌جویند و هستند.

حالا چمران در ادامه اقدامات گذشته‌اش به ریویون رفته است، نه برای قبول و حل مشکلات مردم (که لایحش نیست) بلکه برای تهدید و سرکوب. او شورای منتخب مردم را به رسمیت نمی‌شناسد، دارودسته جیره خوار "فصاه مومت" را میبماند ایران مندانده و با الدم بلامر اظهار مدارد که برای رزم و هم برای رزم آمده است. او گمان میکند که در دوره مغول زندگی میکند که پسر از رزم با مردم ستمدیده منطفه به بزم بنشند و به سک قدم از کاسه سر "دشمن" (مردم) جام سازد. باید برسید چه کسی فصاده موقت را میبماند میداند. فصاده موقت که جای فتودالها، چما ارتجاع منطفه سر خلق کرد و همدست‌ها ه بوده چگونه میبماند ایران است. شاند آقای چمران همکاری او جنسی می‌بندارند که ایران یعنی خودشان. این خیال خام را توده‌های مبارز از سر انسان بسدر خواهند آورد. خلق کرد می‌رزد، حلقهای ستمدیده دیگر دست در دست آنها علیه امپریالسم و ارتجاع و هرگونه حق کشی می‌رزند. بی‌وزی این رزم، رزم مترقی و ملی لبنان (و سازمانهای چپ فلسطینی و حتی

انقلاب ضد امپریالیستی و حق طلبانه خلقهای ستمدیده ما قدمهایی را بسوی رهائی برداشت اما بدلیل ضعفهای درونی جنیش و توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع، سرکار مردم رنج کشیده ما با کسانی افتاده که بسوسی از انقلاب نبرده‌اند، مخالفتشان با رژیم سابق صرفاً لیبرالی و فرصت طلبانه بوده و حالا که فرصت بدستشان افتاده جنایاتی مرتکب میشوند که دل شاه و اربابانش را شاد میکند.

مسئله حقوق ملی خلقهای ایرانی و حادثه‌ها هم حقوق خلق کرد امروز در معرض توطئه‌های گوناگون برای سرکوب آن است. اگر این دز استوار کردستان که سالیان دراز است برای نبل به آزادی و حقوق ملی مبارزه می‌کند، بدست ارتجاع و عمال مرئی و نال مرئی امپریالیسم فتح شود، راه برای سرکوب دیگر نیروها و خلقهای حق طلب ایران باز میگردد.

خلق قهرمان کرد طی ماههای گذشته در سنج و نغده و... و بالاخره میوان در برابر ارتجاع مفاومت‌های کم نظیر کرده است و هرگز جز در راه ححق تسعین سرخوش خویش و همگام با دگر خلقهای ایران، جز در چهارچوب تمامیت‌ارزی ایران قدمی برداشته، اما دولت مرکزی جز با فریب و سیرنگ و تهدید و کشتار با آنها روبرو نگشته است.

آخرین چشمه این توطئه‌ها و نرسنگهای دولت مرکزی ارسال مصطفی چمران معاون نخست وزیر برای مذاکره با توده‌های کرد در میوان است. واقعاً به سر نوشت چنین انقلابی باید گریست که پس از آنهمه مبارزات و فداکاریها، خال و سارکاسر با کسانی نظیر چمران اسب که اطل‌جز برای باندم مرتجع و فاشست خویش و حامیان داخلی و خارجیشان حقی قائل نیست. از طرف دولت کسی برای حل و فصل مشکلات کردستان اعزام مس که اصلاً چیزی بنام حقوق ملی خلق کرد را قبول ندارد، کسی نه آنجا می‌رود که ده‌ها غلامت سواال روی فضا لیتها می‌گذشته او در خارج از کشور باید گذاشت، که یکی از نت‌های آن فعالیتها چندساله او در لبنان است. او با فیسیر سابق شاهنشاه آریا مهر در لبنان بنام آشتیانی دوستی و مراد شده و اکنون از برکت همان مرادوه‌ها سا

چمران و دکتر یزدی (همدست قدیمی چمران) اسب که آشتیانی با وجود خدمت چندساله‌اش به شاهنشاه مسجد آ در وزارت خارجه کار میکنند و حتی ریاست هیئت نماینده گی ایران در کنفرانس اسلامی "فاس" را نبر چندی پیش عهده‌دار بود. این اعجازت دوست‌سازی و از خاندان روحانی بودن است که آشتیانی بجای محاکمه در دادگاه خلق، امروز در پست سفارت جمهوری "انقلابی" کار میکنند.

او در سالهای گذشته هنگامیکه می‌شنید مستشاران امریکائی چه بدست سازمان مجاهدس خلق و چه بجش منشعب از آن اعدام انقلابی شده‌اند، ناراحت شده اظهار می‌داشت که این کارها برای امریکاشها مقبول نیست. (مثل اینکه انقلابیون ایران با یکدکاری می‌کردند که برای امریکاشها خوشایند باشد!)

دکتر چمران با صفا حاشری رئیس حزرگزاری پارس در سیروت که در زمان شاه، فاشیستی ترس نفسرهای خبری را علیه انقلابیون لسانی و فلسطینی و نه نصح اسراشیل و فاشیستهای دست راستی لبنان به اسرآن مغاره می‌کرد، دوست بود.

دکتر چمران بنا به تصدیق مکرر مارزین فلسطینی و لبنانی بارها به مهمانی سفارت انگلیس و آمریکا در بیروت دعوت میشد. و بارها مدرسه حرفه‌ای اش مسورد بازدیدد سفیر انگلیس (!) و سفیر آلمان غربی (!) قرار میگرفت.

دکتر چمران از سال ۵۰ که ظاهرأ برای همکاری با موسی صدر و اداره یک مدرسه حرفه‌ای در حاسوب لبنان به آنجا رفت، تا همین اواخر که آنجا بوداز مبارزه با دگویی به انقلابیون راستس فلسطینی و نسر-های ملی و چپ‌لبنانی خودداری نکرد. او که رمانسی توجیه‌گر تمام سازشکارهای موسی صدر را دست راستی‌های لبنان و با ارتجاعیون عرب از قبیل ملک فیصل و شاه مراکش بود وقتی دیگر این توجیهات خریداری نداشت لبه تیز حمله خود را به سوی کمال حنبلاط (رهبر نیروهای مترقی و ملی لبنان) و سازمانهای چپ فلسطینی و حتی

فتودالها داده‌اید که در مقابل خواسته‌های دهقانان آنها را سرکوب کنند.

هم اکنون آقای چمران در کردستان چه میگوید؟ او می‌گوید: "من هم برای بزم و هم برای رزم به کردستان آمده‌ام". اگر آقای چمران در گذشته به شاه خائن این را می‌گفت، اگر امروزه به سرمایه داران بزرگ و فتودالهای بزرگ این را می‌گفت، اگر به بقایای نیروهای ساواک، که علیه نیروهای انقلابی شب و روز توطئه می‌کنند می‌گفت، من می‌گفتم آقای چمران از زبان ما سخن می‌گوید. ولی متأسفانه، او اینها را به دهقانان تحت ستم کردستان می‌گوید و زبان او زبان دشمنان ماست.

آنها (کارگران) حاج و واج می‌گویند چرا؟ زمان مبارزه، ما کارگران و زحمتکشان، مبارز بودیم و امروز شده‌ایم اخلال‌گر. آری، این تصور طبیعی است، چراکه می‌بینیم دیواره دشمنان آنها را دارند برای آنها تصمیم می‌گیرند و برنامه ریزی می‌کنند. با این تفاوت که این کارها در ظاهر بدست آدمهای بی ادبیت و آزار و محترمی صورت می‌گیرد. چرا چنین است؟

برای پاسخ به این سؤال باید ببینیم دولت در دست کیست؟ نیست زحمتکشان یا طبقه سرمایه داران؟ کافی طبقه که مبارزه کرده باشیم، خون داده باشیم و کمپ امپریالیسم را خم نموده و سلطنت را به زبانه‌مان انداخته باشیم. مسئله مهم و تعیین کننده این است که قدرت را بدست چه کسانی داده‌ایم و یا چه کسانی قدرت سیاسی را از دست ما ربوده‌اند... علت اینکه وضع کارگران تغییر اساسی نکرده است، این است که میوه انقلاب را دیگران، یعنی سرمایه داران مفتی‌ها چهره‌های دیگر چیده‌اند، و دولت سرمایه داران، هرنوع که باشد نمی‌تواند حامی منافع کارگران و زحمتکشان باشد. دولت سرمایه داران و ملاکان، دولتی که نماینده کارگران و زحمتکشان نباشد نمی‌تواند به خواسته‌های ما کارگران پاسخ گوید... آری، فقط دولت نماینده کارگران و زحمتکشان و سایر اقشار خلقی، یعنی دولت جمهوری دیمکراتیک خلق است که می‌تواند خواسته‌های ما را تحقق بخشد، نه دولت سرمایه داران... کارگران

باید متحد شوند و در سازمان‌های صنفی و سیاسی خود متشکل گردند. حزب خود یعنی حزب طبقه کارگر را بوجود آورند. با به دهقانان و سایر زحمتکشان و نیروهای خلقی متحد گشته دولت خود را مستقر سازند... در عین حالیکه باید برای استقرار حکومت کارگران و زحمتکشان مبارزه نمائیم، همچنان باید مبارزه خود را برای بهتر کردن شرایط کار و وضع زندگی، برای گرفتن امتیازهای هر چه بیشتری در زمینه آزادیها و حقوق سیاسی ادامه دهیم.

این را هم باید اضافه کنیم که دشمنان طبقه کارگر فقط در چهره کارفرما و صاحب سرمایه خود را نشان نمی‌دهند. هستند دشمنان طبقه کارگر که در لباس حمایت از این طبقه ظاهر شده و اوها م و خرافاتی را به اشکال گوناگون می‌پراکنند. کسانی که خواهند این تصور را به کارگران غالب کنند که گویا کارگران می‌توانند تحمیت حکومت بورژوازی، به خواسته‌های خود برسند. آنها چهره سرمایه داران را بزرگ کرده و این طور تبلیغ می‌کنند که می‌شود فقط مثلاً با اعتصاب و اعتراض کارگران حقوق خود را بدست آورند. آنها ضرورت تشکیل دولت کارگران و زحمتکشان را نفی می‌کنند، آنها اینطور وانمود می‌کنند که دولت سرمایه داری حاضر است با خوش و بش و با گذشت و فداکاری حکومت را به نمایندگان کارگران و زحمتکشان تقدیم کنند. اینها همانهای هستند که

سالتها در لباس حامیان طبقه کارگر، به این طبقه خیانت می‌کنند و او را به راه سازش و تسلیم با سرمایه داران و امپریالیسم می‌کشاند. اینها تنها نیستند، اینها انواع گوناگون دارند که باید بکشیم آنها را بشناسیم. اما خطرناکترین آنها در جامعه ما دارودسته خائن کیمیه مرکزی حزب توده است. طبقه کارگر در مسیر مبارزه خود به امپریالیسم و سرمایه داران با این دشمنان رنگارنگ نیز باید مبارزه کنند و آنها را از سر راه جاروب نمایند. این دو مبارزه، دو جزء جدا نشدنی مبارزه طبقه کارگر، در مسیر مبارزه اش با امپریالیسم و سرمایه داری است و جدا کردن این دو از یکدیگر چیزی جز شکست طاید جنبش انقلابی طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش خواهد کرد.

سخنان رفیق افخم احمدی را در شماره آینده خواهیم آورد.

ن و زمین داران بزرگ

از نامه‌دهایی پشتیبانی کند که بقصد چانه زدن به مجلس خبرگان میروند! اما این سازمان حاضر نشد از کاندیداهای نیروهای م-ل صریحاً پشتیبانی کند!

انتخابات مجلس خبرگان پس از یک هفته فعالیت‌های تبلیغاتی و افشاگرانه گروه‌های نیروهای مختلف شرکت‌کننده، از مواضع و با انگیزه‌های گوناگون، بالاخره به پایان رسید. در حالیکه سؤال بزرگی که از همان ابتدا، در پیش‌روی نیروهای انقلابی و م-ل هوادار طبقه کارگر قرار داشت، کماکان خودنمایی میکند، چرا که سازمان چریکهای فدایی خلق، در جریان انتخابات و با توجه به اهدافش از شرکت در انتخابات (که صراحتاً اعلام کرده بود) حاضر به همکاری با نیروهای م-ل و هوادار طبقه کارگر نگردد و با حداقل به پشتیبانی صریح از کاندیداهای انتخاباتی این نیروها دست‌نزد؟

سازمان چریکهای فدایی خلق، مانند همیشه، قبل از بدون هیچگونه مشورت و همکاری با نیروهای انقلابی م-ل، علیرغم اصرار و پافشاری آنها، اقدام به شرکت در انتخابات و تعجب‌نماینده خود نمود.

این سازمان "صلاح" روز، تعیین‌کننده تاکنیک بدون هیچ توضیح و قید و شرطی، حتی به ازای دور افتادن از اهداف مورد نظر خود از شرکت در انتخابات، از برخی کاندیداهای دموکرات و نیمه دموکرات پشتیبانی نماید اما در همان حال نه فقط پیشنهاد گروه ائتلافی را مبنی بر ائتلاف در این زمینه عملی مشترک نپذیرفت، بلکه به حداقل خواست آنها دیر بر پشتیبانی صریح طرفین از کاندیداهای یکدیگر و قعی نهاد.

و بدین ترتیب عملاً نشان داد که نسبت به نیروهای انقلابی م-ل، علیرغم فریادهای وحدت طلبی خود، عملاً بی‌اعتنا و بی‌تفاوت بوده و همکاری با نیروهای دموکرات و نیمه دموکرات، اما "صاحب‌قدرت" را بر آنها ترجیح می‌دهد. و این عمل در زمانی صورت می‌گیرد، که ارتجاع سبانه ترین حملات و تهاجمات خود را هیستریک وار بر علیه نیروهای چپ (م-ل) از مدت‌ها پیش آغاز نموده و بطور روزافزونی ادامه میدهد.

حمایت بی‌قید و شرط و بی‌دریغ این سازمان از کاندیداهای برخی نیروهای دموکرات و نیمه دموکرات، در عین حال نشان داد که این سازمان از اهداف مورد نظر خود از شرکت در انتخابات (افشاگری ماهیت مجلس خبرگان و ماهیت هیئت حاکمه و شکستن توهمات خودها...) بدور افتاده است.

این سازمان از عناصری پشتیبانی می‌نمود که علیرغم مواضع عمومی ضد امپریالیستی شان، کارنامه سازش آنها در این شش ماهه بر هیچکس پوشیده نیست. این سازمان به قصد افشاگری و کار آگاه‌گرانه در میان توده‌های مردم در انتخابات شرکت میکند، اما از کسانی پشتیبانی میکند که بر توهم توده‌ها نسبت به مجلس خبرگان و هیئت حاکمه می‌افزایند، از کسانی پشتیبانی میکنند که نه تنها مجلس خبرگان را تائید میکنند (اگرچه برخی از آنها بطور تلویحی و بسا از موضع توهمات خرده‌بورژوازی خودشان) بلکه صراحتاً به نیروهای چپ حمله می‌نرند و نه تبلیغات مسموم‌کننده بر علیه آنها دست می‌زنند.

سازمان چریکهای فدایی خلق باید اس را درک می‌کرد که این عناصر نه برای افشاگری (اگرچه در صورت راه بایی آنها به مجلس، امکان اصطکاک میان آنها و نمایندگان وابسته به هیئت حاکمه وجود دارد و بسیار هم وجود دارد)، بلکه برای چانه زدن بر سر این بی‌آدمه و بند از قانون اساسی، و اصلاح همان پیش-نویس قانون اساسی، در انتخابات شرکت جستند، هدفی که دقیقاً مغایر با اهداف اعلام شده این سازمان از شرکت در مجلس خبرگان می‌بود، هدفی که سازمان توده‌ها نسبت به ماهیت مجلس خبرگان و هیئت حاکمه می‌افزود و سازمان چریکهای فدایی خلق نیز با این پشتیبانی بی‌دریغ خود بر این توهم صحنه می‌گذاشت و این درست در زمانی بود که این سازمان از پشتیبانی صریح خود از نیروها شکست از شرکت در انتخابات، همان اهدافی را دنبال می‌کردند که در مجموع خود سرافد اولیه آنها تطابق داشت، خودداری نمود.

این سازمان روز دوشنبه اول مرداد، در طبعی میتینگ، کاندیداهای خود در تهران را معرفی نمود. دو روز بعد یعنی روز چهارشنبه، شش‌گروه ائتلافی، اطلاعیه شرکت در انتخابات و معرفی کاندیداهای خود را منتشر نمود. روز شنبه، ۶ گروه ائتلافی، پس از قطع امید از

و به ایجاد و تحکیم اغتشاشات فکری و اوام سیاسی، نیروهای ناآگاه هوادار خود، یاری نمود. و با چنین سیاستی، دل‌روزیونیستها و تروتسکیستها و اپورتوسو-نیستها و سایر خاشن‌بین به طبقه کارگر و توده‌ها را شادو دشمنان طبقاتی آنان را در موضع خود استوارتر گردانید. چرا که مشخص نمودن مرز میان خلق و ضد خلق میان نیروهای واقعا انقلابی و انقلابی‌نماهای اپورتوسو-نیست، میان رویزونیستها و تروتسکیستها و سایر جریان‌های انحرافی با نیروهای واقعا معتدبه آزادی

انحصار طلبی در جنبش چپ

انتقادی از سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

طبقه کارگر و توده‌ها فقط می‌توانستند آسایب این جریان‌های انحرافی بریزند. ۶ گروه ائتلافی، (وبعداً ۷ گروه) علی‌رغم تمام اختلافات اصولی خود با سازمان چ-ف-خ، و بدون از نظر انداختن این اختلافات، هدف خود را از پشتیبانی از کاندیداهای این سازمان چنین اعلام نمودند: "بخاطر پیشبردهای خود از شرکت در انتخابات "مجلس خبرگان" که همانا افشای این "مجلس" و شکستن توهم توده‌ها نسبت به آن و افشای ماهیت هیئت حاکمه می‌باشد، از کاندیداهای سازمان چ-ف-خ پشتیبانی می‌نمایم. این پشتیبانی علاوه بر ضرورت فوق، همچنین می‌تواند جنبش چپ را در برابر حملات و تهاجمات تفرقه افکنانه دولت و انحصار طلبان، حول یک عمل مشترک، انجام و استحکام بخشد و نیز جبهه دموکراتیک ائتلافی را در برابر بورژوازی حاکم تقویت نماید." (اطلاعیه ۶ گروه ائتلافی روز شنبه) و سپس چنین نتیجه‌گیری می‌نمایند: "از این رو این پشتیبانی را که حداقل همکاری نیروهای چپ در این زمینه است و وظیفه خود دانسته‌اند، اینک از کلیه هواداران خود می‌خواهیم که از کاندیداهای سازمان چ-ف-خ حمایت و پشتیبانی نمایند، از تمام نیروهای مبارز و دموکرات و چپ‌خواستاریم کسسه از کاندیداهای انقلابیون دموکرات و مارکسیست-لنینیست پش‌مانی نمایند" (همانجا)

این موضع صریح علاوه بر اینکه مشت محکمی برده‌ان دموکرات‌نماها، اپورتونیستها و منحرفین از مارکسیسم-لنینیسم است که هدفشان از شرکت در "مجلس خبرگان" نه از تک‌موضع انقلابی و افشای رژیم، بلکه کسب مواضع قدرت در دولت و رژیم ضد انقلاب کنونی می‌باشد، به تقویت جناح چپ‌انجام‌میده، امکان تحقق اهداف آنان را از شرکت در "مجلس خبرگان" میسر میگرداند.

سالمات سازمان چریکهای فدایی خلق خود را "نما-یینه" جنبش کمونیستی میداند، سالمات که میکوشد از طریق گسترش سازمان "خود" به "حزب طبقه کارگر" دست یابد، سالمات که با مواضع خود مرکز بینانسه و تنگ‌نظرانه این سازمان آشنا نیم و در اینجا بسا، برای بار دیگر شادیم که این سازمان چگونه بطور نادرستی از موضع گیری صریح در قبال نیروهای انقلابی م-ل میگریزد، و نه فقط صریحاً و بر اساس یک سرز-بندی اصولی و مارکسیستی-لنینیستی (اگر موجود باشد) حاضر به اختلاف و همکاری با آنان نمیشود، بلکه پس از کشتن قوسهای بسیار این پشتیبانی را به شکل مضحک و مبتذلی که توضیح دادیم، اعلام می‌دارد.

بند بازی مضحکتر!

لیکن این هنوز سهیوجه تمام قضیه نیست. بعداً و باز هم تحت فشار توده‌های هوادار این سازمان و سایر نیروهای آگاه، سازمان چریکهای فدایی خلق مجبور به موضعی دوباره در قبال نیروهای انقلابی مارکسیست-لنینیست میشود. (۸) لیکن این بار و در این اعلامیه نیز بند بازیهای این سازمان بنحوضک تر و در عین حال تاسف‌آورتر تکرار می‌شود همچنان سعی می‌شود از موضع گیری صریح پرهیز گردد. در لایلهای کلمات و جملات و تعاریف اطلاعیه "پشتیبانی دوم، نالاخره * - در قبال روش سوسون مواضع این سازمان در اعلامیه فوق‌الذکر، روزنامه "صدای آزادی" نوشت: "... چریک‌های فدایی خلق در اطلاعیه خود روش نمودند که چه نیروهایی را ساسده و هوادار طبقه کارگر مینامند!" (دوشنبه، ۸ مرداد)

همکاری و با پشتیبانی سازمان چ-ف-خ، بر اساس درک یک ضرورت سیاسی، بطور یکطرفه و بیدریغ از کاندیداهای این سازمان، پشتیبانی نمودند. این حرکات سیاسی، بدون شک نمی‌توانستند سئوالات و ابهامات توأم با انتقاداتی را در ذهن نیروهای انقلابی و هوادار طبقه کارگر نسبت به موضع این سازمان، ایجاد ننمایند، چرا که این پشتیبانی فقط بطور یکطرفه، از جانب شش‌گروه سیاسی ائتلافی صورت گرفته است؟ و چرا سازمان چ-ف-خ این پشتیبانی را بدون پاسخ گذاشته است؟

بند بازی مضحک!

این سوال و ابهام بدرستی از یک واقعیت عینی سرچشمه می‌گرفت، واقعیت گریزات خود مرکز بینانسه و انحصار طلبانه سازمان چریکهای فدایی خلق. این سازمان نمی‌توانست نسبت به حرکات سیاسی و سئوالات، ابهامات و انتقادات ایجاد شده در ذهن نیروهای انقلابی و هوادار طبقه کارگر و احساناً فشارهای وارده از "پاک" یعنی از سوی هواداران این سازمان، بی-اعتنا باقی بماند، و موضع سکوت این سازمان حتی به نفع خود این سازمان نیز نمی‌توانست باشد. روز دوشنبه این سازمان سه ناچار موضع سکوت خود را شکست و طی اطلاعیه‌ای سراسر ابهام و گنگ اعلام داشت که از کاندیداهای سایر نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست و هوادار طبقه کارگر "پشتیبانی می‌نماید" (صدای آزادی، دوشنبه ۸ مرداد) بدون اینکه مشخص نماید که این سازمان چه نیروهای را "انقلابی و ضد امپریالیست و هوادار طبقه کارگر" می‌داند!

مضمون اطلاعیه در عین اینکه در ورای خود، جای پای شمار سئوالات و انتقادات وارده از سوی نیروهای انقلابی و م-ل و هوادار و نیز اکراه و اجبار این سازمان از پذیرش پشتیبانی کلی از نیروهای فوق‌الذکر را بخوبی نشان میداد، اما متقابلاً بر سئوالات و ابهامات یاد شده همچنان می‌افزود.

بدون شک این سئوال و شبهه برای آن دسته از هواداران ناآگاه این سازمان و نیز از دسته از هواداران ناآگاه جریان‌های انحرافی در جنبش کمونیستی، که نه عمدتاً بر اساس یک وحدت سیاسی-ایدئولوژیک، بلکه اغلب از مواضع غیر سیاسی و حتی لیبرالی-یعنی از موضع مخالفت با رژیم حاکم، به هواداری از این سازمان و جریان‌های انحرافی جنبش کمونیستی برخاسته‌اند بوجود می‌آمد که "سازمان چریکهای فدایی خلق" چه نیروهای را "هوادار طبقه کارگر، انقلابی، و ضد امپریالیست" می‌داند؟

این دسته از هواداران و توده‌های "پائیس" بدون شک بنا بر ناآگاهی و انحراف نشان، و بدون اینکه هیچگونه کار آگاه‌گرانه و جهت‌داری از سوی "بالا" صورت گرفته باشد، براحتمی میتوانستند، رای‌های خود را به نفع جریان‌های انحرافی، رویزونیستی و اپورتونیستی‌ای، که با خود ناآگاهانه، نیست دنباله روی از آنها برداشته بودند و یا هوادار خود سازمان بودند اما نمی‌توانستند مرزی میان نیروهای انقلابی م-ل و جریان‌های انحرافی بکشند در صدوقهای رای‌بیزند. بدین ترتیب این سازمان در این اطلاعیه خود نه تنها هیچگونه مرزبندی یا جریان‌های انحرافی در سطح جنبش کمونیستی نمود، بلکه مشخص نکردن جریان‌های واقعا انقلابی و ضد امپریالیست و هوادار طبقه کارگر از این جریان‌های انحرافی، به تحکیم این انحرافات، به تشبیه ناآگاهی هواداران آنها

رئیس بیمارستان یا فرمانده گارد شاه

دستگیری متهمین!! به بیمارستان می آید . توجه کنیم که متهمین همان پرستاران کتک خورده هستند نه آقای دکتر سالور قلندر! کارکنان بیمارستان به دستگیری این افراد مخالفت میکنند و کار به کلانتری می کشد . پزشک قانونی سه روز مرخصی استعلاجی برای خانم طبری و ۴ روز برای خانم رضائی صادر می کند . کارمندان صورت جلسه ای از آنچه که اتفاق افتاده است تهیه نموده و بعنوان شاهد آنرا امضاء میکنند . اما حالب توجه است که روز سه شنبه (۵۸/۵/۹) دادگاه اداری تشکیل و خانم طبری و خانم رضائی و ۷ نفر دیگر از امضاء کنندگان استشهاده توسط دکتر سالور به محاکمه کشیده شده و حکم اخراج آنان صادر می گردد . لیست اخراج شدگان در " بیدادگاه " اداری آقای سالور رئیس حکومت بیمارستان مفید بشرح زیر است :

خانم طبری ، رضائی و یازگبیر کمک پرستار - اردلان پرستار - آقای جوانمردی ، تلفن چی - امیریا ، منشی - جهان پیم ، کمک پرستار .

راستی یادش کانی که فداکارانه در انقلاب توده ای شرکت جسته و یوزه رژیم شاه را بخاک مالیدند به این صورت داده میشود ؟ توده های زحمتکش ، مبارزه کردند تا در هر اداره ، محله ، کارخانه و ... یک حکومت بوجود بیاورند ؟ آنهم حکومتی که فقط جانب سرمایه داری حاکم ، قلداران و انحصارطلبان را می گیرد و متقابلاً از جانب آنها حمایت می شود ؟ آیا کسی بجز توده های میلیونی مردم قادر است بار دیگر دست به حاروباسن به قدرت دستگازد ، قلداران و زورگویان بزند ؟ هرگز ، زیرا که صاحبان زر و زور و گمراهانی که از سرنا - آگاهی کمر به خدمت آنها بسته اند نخواهند توانست از حقوق حقه توده ها دفاع کنند . این دست قدرتمند خلق است که باید این بار تکلیف این زورگویی و ستمکاری را روش سازد .

روز چهارشنبه گذشته (۵۸/۵/۳) از طرف دکترین سالور رئیس بیمارستان کودکان مفید (واقع در جاده مدیج شمیران) اعلامیه ای خطاب به کلیه واحدها مبنی بر تعطیل بودن سلف سرویس در ایام ماه رمضان صادر شده بود .

عده ای از پرستاران با خانم طبری سرپرستار اطاق شیر که نماینده پرستاران است تماس گرفته و درخواست کردند که سلف سرویس بیکار خود ادامه دهد ، زیرا که شیفت کار طولانی است و بعضی از پرستاران بیمارستان هستند و قادر به روزه گرفتن نمی باشند . اما دکتر سالور به این درخواست اعتنا نئی نمود . بجز تعداد محدودی از پرسنل که بخاطر خالی نشدن بخشها باقی ماندند ، همه پرسنل دست به اعتصاب زده و درسالن بیمارستان اجتماع کردند . دکتر سالور بعد از اینکه وارد بیمارستان شد ، بدون اعتنا به پرسنل به اطاق خود میرفت که پرسنل از او خواستند که به میان جمع آنها بیاید و حرفشان را بشنود . اما دکتر سالور از این کار خودداری نموده و گفت که باید نماینده پرسنل به اطاق او برود .

جلسه ای در اطاق معاون بیمارستان تشکیل شده و دکتر سالور به اتفاق چند نفر از کارگران رختشوخانه وارد میشوند . به محض اینکه خانم طبری شروع به صحبت میکند ، دکتر سالور حرف او را قطع نموده و با این حرفه که او کومنیست است از کارگران میخواهد که او را کتک بزنند . اما کارگران از این کار خودداری میکنند . سپس آقای دکتر خودش " بناچار " شروع می کند به کتک زدن خانم طبری . در این میان خانم دیگری به نام رضائی به میان تحریک آمده و او هم از دست حضرت آقای دکتر! کتک می خورد . سپس آقای دکتر سالور تلفنی به کمیته اطلاع می دهد و افراد کمیته یعنی پاسداران و حمایت کنندگان عریضه کشی و فلداری برای

روشن شنموده که موقع این سازمان در قبال نیروهای انقلابی م . ل و پشتیبانی از آنان در انتخابات چیست؟!؟

در این اعلامیه گفته میشود: " ... از آنجا که از نظر ما نیروهای ضد امپریالیست و هوادار طبقه کارگر را نیروهای مدانیم که دارای سیاستی پیگیر و سازشناپذیر در مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه طبقاتی هستند و از آنجا که معتقد به استقلال عمل از احزاب به دسته ها و قطب های جهانی هستیم ، هیچک از جریان های سیاسی وابسته و سازشکار مورد تأیید ما نبوده و نخواهد بود .

بنابر این چه جریان می نظیر حزب توده و چه گروه های دنباله رو و چین و چه احزاب و گروه های وابسته و سازشکار دیگر (؟) به هیچوجه و در هیچ شرایطی مورد حمایت ما قرار نخواهند گرفت و ما پشتیبانی از کارکنان های آنها را در انتخابات مجلس خبرگان تأیید نمی کنیم !

سازمان ج - ف - خ خوب روشی را برای شانه خالی کردن از بار فشارها و ضرورت های سیاسی روز انتخاب می نماید ، روشی که در عین حال به شمالات خرده بوروازی این سازمان پاسخ مناسب میدهد . این سازمان برای اینکه بالاخره خود را از " شر " اعلام پشتیبانی صریح از کاندیدا های هفت گروه اشتتالی رهایی بخشود حتی امکان از به زبان آوردن نام آنها خودداری نماید ، روش " سلمی " را انتخاب میکند ! و با نقی پشتیبانی از جریانات " انحرافی " از دو سو به نیروهای " ضد امپریالیست ، انقلابی و هوادار طبقه کارگر " نزدیک میشود و در هماجلی متوقف میگردد !

لیکن ما مایل بودیم بدانیم که سازمان چریک های فدائی خلق کاندیدا های چه گروهها و سازمانها بی در انتخابات " مجلس خبرگان " را صریحاً تأیید مینماید ! مسئله ای که بالاخره روشن نشود ، لیکن با تعریفی که این سازمان از نیروهای " فد امپریالیست و هوادار طبقه کارگر " بدست میدهد ، و با مراجعه به مواضع این سازمان در قبال سایر نیروهای انقلابی م . ل در سطح جنبش بدون هیچگونه شیبهای میتوان درک نمود که این سازمان در واقع از هیچ نیروی مارکسیست لنینیست در جامعه ما در جریان انتخابات " مجلس خبرگان " پشتیبانی نمی نماید .

آیا در میان تمامی نیروهای م . ل شرکت کنندنده در انتخابات مجلس خبرگان ، سازمان چریک های فدائی خلق نیرویی را که " دارای سیاستی پیگیر و سازشناپذیر در مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه طبقاتی " باشد (همانجا) می شناسد ؟! مواضع این سازمان در سطح جنبش ، چه در قبال گروه اشتتالی (که بیشتر از همه حدس زده میشود که رفقای چریک جولا نه پشتیبانی خود را از آنان اعلام نموده اند) و چه سایر نیروها ، عکس این را نشان میدهد . آیا برای هواداران این سازمان و سایر نیروهای انقلابی تردید و شبهه ای وجود داشته که این سازمان حزب توده و سایر احزاب و گروه های وابسته را ، فد امپریالیست و هوادار طبقه کارگر نمی داند ؟ که این سازمان خود را ملزم به این توضیح دانسته است ؟!

آیا اساساً قابل شدن این شرایط برای پشتیبانی انتخاباتی سازمانی از سازمانهای دیگر منطقی و اصولی است ؟ به نظر ما خبری! نه حتی برای اشتلال ، بلکه برای پشتیبانی انتخاباتی ، سازمان چریک های فدائی خلق شرط دارا بودن " سیاستی پیگیر و سازشناپذیر (!؟) در مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه طبقاتی (!) " را قابل شده است! بدون هیچگونه توضیحی واضح است که در مقابل امپریالیست و مرنحسند داخلی ، میتوان باید از عناصر ، گروهها و احزاب ضد امپریالیست پشتیبانی نمود و حتی با آنها وارد در اشتلال موقت نیز شد (مثلاً توجه کنید به اشتلال بلشویکها و نارودنیکها در رابطه با شرکت در مجلس مقننه) ، لیکن این سازمان شرط موهوم " پیگیر و سازشناپذیر بودن " (از نظر چه سازمان و گروهی؟) و آنهم در " مبارزه طبقاتی " را اضافه نموده است . و این آخری جز بمفهوم عدم درک نیروهای پشتیبان پرولتاریا در مرحله انقلاب دموکراتیک نمیشد .

پیگیری و سازشناپذیری در " مبارزه طبقاتی " مستلزم دست یافتن به تئوری انقلابی ، مستلزم احکاد بیبوند محکم ناشده های کارگر و پالایش گروهیها و سازمانها از شاخه های روشنفکری و غیر پرولنری است و این امری است که تشکلهای انقلابی م . ل برای دستیابی به آن می بایست چه در درون خود و چه در سطح جنبش کمونیستی و با مبارزه بی امان سیاسی - ایدئولوژیک ، همراه با متنی از کار در میان طبقه ، به آن دست

جدول تعیین حداقل دستمزد وزارت کار یکی از اسناد مهم جنایات سرمایه داران است . حداقل دستمزد کارگران طبق این جدول که توسط خود وزارت کار تعیین شده و بزور قادر است که یک زندگی بخورد و نسیر را برای کارگران فراهم آورد در مقایسه با حداقل دستمزد دستمزدی که اخیراً وزارت کار با های و هوئی فراوان تصویب کرد بیشتر از پیش ماهیت ضد کارگری دولست کونونی را نشان می دهد .

این کتاب همچنین خواستهای حق طلبانه کارگران را در این مرحله بیان می کند .

این کتاب رهنمودی است برای شناخت بیشتر ماهیت سرمایه داران زالو صفت و بالا بردن سطح خواستهای صفی و سیاسی کارگران در جهت غننا بخشیدن به مبارزات پیگیر آنها علیه سرمایه داران چپا ولگر .

ادامه از صفحه آخر **از انتشارات ...**

استثمار وارد برخورد اندکی کاسته و امتیازاتی از سرمایه داران زالو صفت بگیرند . باین ترتیب قوانین کار که در دوره های مختلف تصویب شده ، شمره مرزات حق - طلبانه کارگران سراسر جهان است و نه پیشکشی از طرف سرمایه داران غارتگر .

در این کتاب توضیح داده شده که " قاضی کنار انقلابی " منعکس کننده واقعی نیازها و منافع کارگران در این مرحله از انقلاب می باشد و از آنجائی که سنگ محک " انقلابی " بودن هر رژیم و حکومتی ، نحوه برخورد وی با درخواستها و نیازهای زحمتکش ترین و محرومترین طبقات یعنی پرولتاریاست . برخورد مختصری با عملکرد های دولت موقت ، بعد از قیام تا کنون نشان میدهد که این رژیم حامی چه اقشار و طبقاتی است .

اخبار کوتاه کارگری

در روز اول ماه رمضان کارگران صنایع فولاد اهواز هنگام ظهر به غذا خوری می روند و چون می بینند که از غذا خبری نیست ، همگی از رفتن به سرکار خود داری نموده و

ادامه از صفحه اول **اظهارات ...**

آزادی " نیستند تا ببینند حاصل تلاش آنان چگونه نصیب لاشخواران شده است .

" مقام امنیتی " وعده می دهد که گزارش مفصل ترمن صحرا منتشر خواهد شد . لابد مانند تحقیقات مربوط به گروه فرزان و شناساییهای که بدروغ گفتند افشا می شود ، که نشد! آخر " اختلاف خانوادگی " را که نباید افشا کرد ، از قدیم هم گفته اند " چاقو دسته خود را نمی برد " پس چطور می شد انتظار داشت که اینان پس از آنهمه تبمت و قیاحانه به چپ در رابطه با ترور آیت الله مطهری ... ببینند و بگویند که فرزان کیست!

وقایع گنبد و ترمن صحرا و هزار آتش دیگر را که ضد انقلاب یعنی سا و اکیها و فتودالها و عال آشکار آمریکا و اسرائیل " مثل " قباده موقت " - و دشمنان قسم خورده مارکسیستها هر روز بیا می کنند ، مقام امنیتی و همدستانش بحساب چپ ها می گذارند ، اگر راست می گویند و بوی از آزادی برده آید و چرا حاضر نشدید فیلم تهیه شده

از حوادث گنبد بر صفحه تلویزیون نباید ؟ و آن شکایات و نامه نگاریهای فیلم بردار این صحنه ها بجایی نرسید ؟ این دروغهای حرفه ای از اخلاق هم زیاد دم می زند ، اما اگر ذره ای اخلاق می فهمیدند - همان اخلاقی که در دین اسلام تعریف شده - میدانستند که چنین دروغهایی در منطق دین هم گناه کبیره است ، اما اینها دین را برای تحمیق مردم و دفاع از منافع استثمارگران طبقاتیشان لازم دارند نه آنکه پای خودشان هم بنوعی در بیند آن اخلاق گیر کنند ، اینست که بی مهابا دروغ می گویند و توجیه شریع را هم درست می کنند . لابد دو روز دیگر خواهند گفت کتابخانه ها را هم چپ آتسن می زند و پوسترها و اعلامیه ها را هم چپ از دیوارها می کند و سعادت می ... را هم چپ به زندان انداخته است .

آری ، مقام " دولتی " (یا امنیتی !) بجای افشای " چپ نماها " ، خود را افشا می کند و نشان میدهد که این " عین الدوله " هسا حاضرند برای به انحراف کشیدن انقلاب و برای خدمت به اربابان خود " ستار - خانهای " امروز یعنی نیروهای انقلابی و کمونیستها - چهپا را ابتدا از لحاظ سیاسی و سپس از لحاظ جسمی نیز ترور و نابود کنند . ضد انقلاب ، مقام امنیتی و همدستانش این آرزو را بزور خواهند برد . خلق -

هموطنان مبارز!

کمکهای مالی خود را به حساب جاری شماره ۵۸۷ بانک صادرات ایران ، تهران شعبه ۱۳۴۹ خیابان کارگر

هموطنان مبارز!

اعتصاب پیروزمند در کارخانه ارج

اخبار کارگری

ما کارگران کوره پزخانه محمد برانچی و ضرغام

ما کارگران کوره پزخانه محمدبرانچی و ضرغام (روبروی سیمان آبیگ) که حدود سی خانوار و جمعیاً یکصد و پنجاه نفریم از چهارماه قبل در این کسوره شروع به کار نموده‌ایم ، چنانکه همه مبادی زندگی ما کارگران با همین پول روزانه میگذرد . الان مدت دوماه است که دستمزد ما نپرداخته است . دیگر ما کسی را نمی شناسیم که از او پول فرس کنیم . حتی همین حالا چند تا از بچه‌های ما مریض هستند که پول مداوی آنها را هم ما نمی‌دهد و وقتی بکارفرما می‌گوئیم پول ما را بده میگوید ندارم کار کنید هروقت داشتیم می‌دهیم ، معلوم نیست چطور پول ندارد در موربیکه آجر-ها هم ما زده‌ایم هر روز بفروش می‌رود ، دوروز ۵۸/۵۶ دسجمنی باو مراجعه کردیم که دستمزد ما را بپردازد کند (طلب ما جمعیاً حدود هشتاد هزار تومان می‌شود) ولی او باهم از پرداخت دستمزد طرره رفت و از همان روز وسله کار را از ما گرفته و بیخ را قطع کرده‌اند و با تهدید وسوسله عواملس و حمله شبانه بخانه ما و شکستن شیشه‌ها و صدمه زدن به اموال ما ، ما را می-خواهند بدون دریافت دستمزد مجبور به ترک اینجا کنند و خود کارفرما از همارور ۵/۶ به کوره نشاءه ، خلاصه کار ما را بجایی رسانده که مجبوریم از ترس زن و بچه-هایمان را بده مان بفرستیم و خود ما هم اینجها سرگردان شده‌ایم . ما نا کنون به کمیته هشتگرد و پاسگاه نظراتاد برای رسیدگی به حقوقمان مراجعه نموده‌ایم ولی در پاسگاه نظراتاد عوس اینکه بخواست ما رسیدگی کنند به رویمان اسلحه کشیده‌اند و گفته‌اند شما خوابکار هستید (آیا کسیکه پول دوماه کار کرد خود و زن و بچه ۶ ساله‌اش را بخواد خرابکار است ؟) و در کمیته هشتگرد بما گفته‌اند تقصیر دارید ولی حتی یکبار هم بخود زحمت نداده‌اند که بخواست ما رسیدگی کنند (آیا حمایت از مستضعین چنین است ؟)

در موربیکه همین کمیته هشتگرد دو ماه پیش وقتی کارفرما پول ما را ننمیداد و نه آنجا مراجعه کردیم کمیته بقراردادی ما و کارفرما به امصاء رساد به مزد دوهفته ما همیشه بش کارفرما بماسد و اگر از دوهفته بیشتر شد خود کمیته در پرداخت پول اقدام کند و خودش پول را بما دهد . (البته باید دید اس چه قرارداد ظالمانه‌ای است) در صورتیکه الان پول هفت هفته ما پیش کارفرما مانده‌است و کمیته به این موضوع توجهی نمیکند (حرمی که خودش زده‌است هم یادشان رهنه است)

ما خواهان رسیدگی هرچه فوری تر از طرف مقام معامات مسئول و بخصوص دفتر امام خمینی و آنت‌اللله طالقاسی هستیم .

کارگران کوره پزخانه (محمدبرانچی و ضرغام)
روبروی سیمان آبیگ

- ۱- دفتر آنت‌اللله طالقانی
- ۲- روزنامه جمهوری اسلامی
- ۳- روزنامه بامداد
- ۴- روزنامه آبنندگان
- ۵- روزنامه کیهان
- ۶- ندای آزادی
- ۷- پیغام امروز
- ۸- اطلاعات
- ۹- بیکار

روز ۱۰ مرداد قسمت های مونتاز کولر ، بخاری ، آبیگن و لیا سشوئی و اجاق گاز بین از دو ساعت بخاطر افزایش دستمزد و هزینه زندگی دست از کار کشیدند . کارگران قسمت کولر - بخاری قبل از تعطیلات تابستانی در تیر ماه هم بخاطر سود ویژه و اضافه حقوق دست به اعتصاب کوتاهی زده بودند که در آن زمان از طرف کارفرمای زالو صفت توجه چندانی به خواسته های برحق کارگران نشده بود و کارفرما و عواملس به وعده و وعید متوسل شده بودند . کارفرما و مدبران مزدور این بار هم قصد داشتند حقوق کارگران را پایمال کنند و بنا اندک اضافه حقوق ، کارگران را هر چه بیشتر استثمرا کرده و جیب گشاد خود را پرتر نمایند و برای کمتر اضافه کردن دستمزد ها به حیل و نیرنگ متوسل میشدند که کارخانه ضرر کرده است و ما بیشتر از ۲۷ تومان نمیتوانیم دستمزد ما را افزایش دهیم .

این مطلب را روز قبل از اعتصاب مارکریان که یکی از مدبران و همچنین یکی از سهامداران شرکت است در شورا عنوان کرده بود . و گفته بود که حداقل ۲۷ تومان و حدا کثر ۳۶ تومان به حقوق کارگران اضافه می کنیم کفایت مبلغ به نسبت عکس دستمزد ها پرداخت شود یعنی - کارگرانی که کمتر حقوق می گیرند ۳۶ تومان و آنهایی که بیشتر حقوق می گیرند ۲۷ تومان به دستمزد ما پشان اضافه خواهد شد که این مبلغ مورد مخالفت بسیاری از نمایندگان قرار می گیرد . یکی از نمایندگان مبارز و کارگر دست نام آقای دهقان شدیداً به این مزدور حمله می کند و از اعمال ضد کارگری و حیل و گریه های او برده بر میدارد که مارکریان محصور میشود جلسه را ترک کند . این شخصی که هنوز تک مفصل کارگران را در اسفند ماه بخاطر ندادن سود ویژه از یاد نبرده است ، باز هم میخواست در حق کارگران اجحاف نماید .

بدنیال این جریان کارگران قسمت های یاد شده پس از ۵ ماه صبر و انتظار در روز چهارشنبه ۱۰ مرداد دست به اعتصاب زدند . بدنیال این اعتصاب از طرف صوری مدیر اداری جدید اطلاعاتی منتشر شد که شایع شده ، مدبریت توافقی قبلی را که بین شورا و

یک خبر کوتاه دیگر از ارج : بدنیال فرا رسیدن ماه رمضان و ندادن نهار در کارخانه و فشاری که به کارگران روزه دار می آمد ، عده ای از نمایندگان پیشرو ساعت کار را از ۸ ساعت به ۶ ساعت در روز کاهش دادند و در این یک ماه ساعت کار از ۷ صبح تا ۱ بعد از ظهر شیفت اول ، از ۱ بعد از ظهر تا ۷ بعد از ظهر شیفت دوم و از ۷ بعد از ظهر تا ۷ صبح شیفت سوم که در این شیفت هم آفری و هم سحری به کارگران می دهند و ۵ ساعت هم اضافه کار ، به کارگران تعلق می گیرد .

اعتصاب در تعمیرگاه های شماره ۱ و ۲ ایران ناسیونال رشت

هوشیاری کارگران موفق نشد . مثلاً او از برخی از کارگران پرسید چقدر پول می‌گیرید تا از اینجا بروید ؟ در روز سوم یعنی ۵۸/۵/۳ نماینده اداره کار به کارگاه آمد تا با کارگران صحبت کند . او به کارگران پیشنهاد کرد که فعلاً با گرفتن نغری هزار تومان بسرکار برگردند تا روز یکشنبه آینده کارفرما از سفر برگردد . ولی کارگران از قبول پیشنهاد نماینده اداره کار امتناع کردند و از سوار کردن موتور اتومبیل ها نیز خود داری نمودند . استدلال کارگران برای این کار - شان این بود که اگر ما موتور اتومبیل ها را سوار کنیم و مثقالچی (کارفرما) آنها را تحویل صاحبانش دهد ، دیگر اتومبیل برای تعمیر قبول نمیکند و می توانند در تعمیرگاهها را ببندد . کارگران می گفتند در صورتیکه کارفرما خط بدهد که تا روز یکشنبه حقوق کامل ما را بدهد و اداره کار هم آنها را تأیید و تضمین کند ما بسرکار برمی گردیم . ولی اداره کار پیشنهاد کارگران را قبول نکرد . و از همین رو هم اعتصاب ادامه یافت .

اعتصاب کارگران این دو تعمیرگاه از تاریخ ۵۸/۴/۳۱ بخشنامه اداره کار ، که در آن صحبت از ۶۰ الی ۸۰ درصد اضافه حقوق شده ، و امتناع کارفرما از گردن نهادن باین بخشنامه شروع شد . اعتصاب از تعمیرگاه شماره یک و فروشگاه آغاز شد و سپس به تعمیرگاه شماره ۲ رسید . کارگران برای اینکه بتوانند کارفرما را از طریق مشتری ها هم تحت فشار قرار دهند ، تمام موتورهای اتومبیل های تعمیری را پیاده کردند . کارگران در مقابل حرف نماینده کارفرما که قول میداد ۳۰ تا ۴۰ درصد اضافه حقوق را برای آنها تضمین کند بشرطی که دست از اعتصاب بردارند و بسرکار خود برگردند ، مقاومت کرده و می گفتند که ما خواهان اضافه حقوقی هستیم که در بخشنامه اداره کار ذکر شده یا اضافه اینکه باید تضمین شود که در آینده نیز حقوق ما با بالاتر رفتن قیمت ها بالا برود . در روز دوم اعتصاب نماینده کارگران که خود یک کارمند است کوشید با فریب برخی از کارگران اعتصاب را بشکند ولی در اثر

چرا کارگران کوره پزخانه های تبریز مجبور به کوچ از محل کار خود شدند

دو کارگر ترک و کرد بر سر مسئله ای بسیار جرئی (به خاطر یک طلب روغن) اختلافی بروز میکنند . این مسئله که به سادگی قابل حل بوده است بر اثر شکایت کارگر ترک به کمیته امام " سردرود " سهانه ای میشود برای یورش ما موران کمیته به کارگران زحمتکن کرد . تعداد پنجاه ما مور مسلح کمیته که سدادی چاقو تدار نیز به همراهان بودند در پی این شکایت به حاص کارگران کرد رخته و به حبال پیدا کردن اسلحه ه جستجو می بردازند . آنها حتی با نهایت بیشرمی رنار را مورد اهاننت فرار داده و تعنت بندی می کنند و در حجاب کارگران که علت اس امر را حوا می شده فقط محش و ناسزا می گفتند . ما موران کمیته در تمام مدت جستجو به محاصره زن و فرزندان کارگران و سگر بندی در مقابل

اعلامه ای ما عوان مور از طرف داسحویان مزارر طردار آزادی طیفه کارگر- تبریز- انصار با منه که سنجاشی ار آن در ربر می آمد : " در ناحیه " کجا آباد " واقع در حاده تبریز - سردرود تعدادی کوره آجر پزی فرار دارند . در ایسن کوره ها تعداد ۳۰۰۰ کارگر کرد در کنار بقیه کارگران ترک به کار مشغول بودند . در مواقع اعتصاب کارگران ترک و کرد مشترکاً دست از کار می کشیدند و یکپارچه اعتراض میکردند . برای نمونه میتوان از اعتصاب کوره پزخانه ، حاص که چند ماه قبل صورت گرفت و ۴ روز طول کشد ، نام برد . در این اعتصاب کارگران با اتحاد و همستگی خود موفق شدند کارفرما را مجبور به اضافه کرد ، دستمزد نمایند .

این خانه گردی ها چیزی نمیشد نماند از کارگران گرفته و کمیته میرند . یکی از کارگران که چند شدر کمیته بازداشت شده ، گفته است که پس ار کتک و ناسازی فراوان به ما گفتند که شما هجا خرابکار هستید و شیها پش پالانگاه (که سزیدیک کوره پزخانه ها فرار دارد) نقشه انعجار آن را می کشید . چرا به کردستان بر نمی گردید و آنجا کار نمی کنید مگر شما خود مختاری نمی خواهید ؟ پس ار اعتراضات و فشار کارگران کوره پزخانه که حواستار آزادی دوستان زندانی خود بودند ، کارگران زندانی آزاد میشوند . پس از این واقعه کارگران کرد با درک این موضوع که دیگر تا من جانی و مالی نمی توانند داشته باشد از روز دوشنبه ۵۸/۵/۱ همراه با رر و بچه های خود از محل کارشان کوچ میکنند . " یک بار دیگر ما این عمل خود ما هت دولاب " اعلامی " حاکم

گروامی باد...

اواخر قرن ۱۹ مارش انقلابات دموکراتیک و ضد امپریالیستی برای رهایی از قید سلطه و نفوذ امپریالیسم و ارتجاع داخلی وابسته بدان و نیل به استقلال و آزادی در فضای سراسر آسیا نواخته شد. لنین اوضاع آن روزی آسیا را چنین توصیف میکند: "در آسیا همه حا حس دموکراتیک سررومندی نشو و نما می کند و سر وسعت و دامنه آن افزوده می شود و مستحکم می گردد... تمام اروپای فرما نرو، تمام بورژوازی با تمام نیروهای ارتجاعی و مروج و سیاسی متحد است. در عوم تمام آسیای حوا ن یعنی صدها فیلسوف رحمتکش در آسیا، در خود پرولتاریای کلیه کشورهای منجید، منحسذ طبیعی دارند." (۲)

ها را به بهای خوشگذرانی های خود در فرنگ و در حرم- سراهای خود به امپریالیستهای غارتگر انگلیس و روس تقدیم میکردند.

واما سرماییه داران

بورژوازی ایران را در این دوره بازرگانان تشکیل می دادند. آنها به دودسته عمده تقسیم می شدند.

اول تجار محلی و بشارتی بورژوازی متوسط و کوچک که در نتیجه انحصار اعتبارات مالی توسط بانکهای خارجی مداوماً سرکوب گشته و به سر حد ورشکستگی کامل می رسیدند. وضع اینها به علت جلوگیری از دادرست در شمال توسط روسیه و در جنوب توسط انگلستان روز بروز سخت تر می گردید. و به علت اینکه دهقانان دچار فقر و فلاکت شده و روز بروز از قدرت خریدشان کاسته میشد، بسر وخت وضع بورژوازی متوسط هرچه بیشتر از روزه می گردید. از اینرو تجار محلی در مبارزه مداوم و

درست از بطن چنین اوضاع و احوالی بود که انقلاب مشروطیت بعنوان تیلور و نقطه اوج تفادهای دورنی جامعه و خشم و نفرت توده های میلسونی بر علیه نظم بوسیده، فئودالی و سلطه و نفوذ امپریالیستها جوانه زد و رشد یافت و شکوفان گردید.

آستانه انقلاب: ظلم و جور، فقر و فلاکت

وجه غالب تولید را در این دوره فئودالیسم تشکیل میداده که در کنار آن روابط ایلی و پدرشاهی هنوز جا ن سختی می کرد. ۷۵ درصد جمعیت ایران تخته فابو و اکثریت آنان دهقانان بودند که یگانه طبقه تولیدکننده اساسی کشور نیز بشمار می آمد. مالکین فئودال (خانها، آقاها و ملک داران) که قوای دولتی پشتیبان آنها بود، دهقانان را بهر طریق، در حال وابستگی به زمین نگه میداشتند و نه تنها بر زمین و احوال آنان بلکه بر جان شان نیز تسلط داشتند. با وارد شدن کشاورزی به حلقه روابط سرمایه داری جهانی و تولید محصولات سودآور مورد نیاز بازار جهانی از قبیل پنبه و توتون بجای محصولات فلاحتی سابق، مواد غذایی مورد نیاز توده ها کمیاب شده و قطعی شیوع بیشتری می یافت. از طرفی مالکین برای کسب سود بیشتر، وسیما دست به غصب زمین دهقانان زده و آنها را از زمینهای خود بیرون میکردند و یا زمینهای حاصلخیز را از دهقانان گرفته و این زمینها را دهقانان مجبور به کشت محصولات مورد نیاز مالکین بوده و نمی توانستند محصولات مورد نیاز زندگی خود از قبیل گندم را بکارند. بیگاری شدیداً رواج داشت. انواع گوناگون مالیاتها که از طرف دولت به زور گرفته می شد، دهقانان را هرچه بیشتر خاک ساه می نشانید. حاصل امر فقر و بدبختی فزون از حد دهقانان فسرار آنها بسوی شهرهای خالی از کار و صنعت آن روزی بود، طوری که در طول پانزده سال جمعیت تهران ۵ برابر شد. (۵)



اولین حرکت سرتاسری خلقهای ایران در هفتاد دوسه سال پیش منجر به تشکیل حکومت پارلمانی و تدوین قانون اساسی نسوع بورژوازی گشت. این حرکتی بود و روبه جلو که توسط قدرتمندان سازشکار و امپریالیسم دستا وردهای آن نابود شد. بیشک خلقهای ما اجازة نخواهند داد که انقلاب دوم ما دچار همان سرنوشت گردد.

بایدار برای ادامه حیات خود سوده و خواسته های سیاسی-شان در ردیف صنعتگران و پیشروان قرار داشت. **دوم بازرگانان بزرگ:** آنها از تکفرف مشغول معاملات بازرگانی صنوعات اروپایی و روسی بوده و سرتوت و درتشان بسته به حفظ و ابقای مناسبات و روابط امپریالیستی در ایران بود. و از طرف دیگر با خرید زمین-های خالصه دربار و املاک اربابی فئودالها، خود تبدیل به مالک شده، و در حفظ نظام فئودالی نیز شریک و سهم می گشتند به همین جهت آنها نمی توانستند مخالف تسلط امپریالیسم و همجین سلطنت و فئودالیسم باشند. مدای اعتراض انسان تنها وقتی بلند می شد که دولت مرکزی امتیازی را از دست انسان گرفته و در قبال میلیتی به امپریالیسم تفویض می کرد و با طوایف راهزن مال-التجاره شان را به غارت می بردند. آنها خواهان آزادی تجارت و تمسین فروش محصولاتشان در داخل کشور بودند. به همین جهت نیز بورژوازی بزرگ تاسیس مجلس سرتقاری مشروطه سلطنتی را برای پایان دادن به تمام بدبختی های موجود و در حقیقت بدبختی خودشان

کافی می دانستند و حاضر نبودند و نمی توانستند قدمی فراتر از مشروطیت و بسوی جمهوری-بورژوازی بردارند.

نقش روحانیت در انقلاب چه بود؟

آیت الله طباطبائی: "ما تاه جنگی داریم و نه نوای، پادشاه مسلمان است و با یادشاه مسلمان جنگ منصور نیست!"

در اسنا می بابستی اشاره ای نیز به روحانیون بکسیم چرا که آنان در جریان انقلاب مشروطیت و همچنین در زندگی کشور نقش بزرگی بازی می کردند و خصوصاً آنکه "قدرت قضایی و تاسن اجتماعی و... همسدر دست روحانیون بود" (۴)

روحانیون بطور سارز دودسته بودند. **اول قشروماتی** روحانیت که خود دارای زمینهای وسیع اربابی سوده و دهقانان را استثمار می کردند و در عواید ناشی از زمینهای وقفی نیز سهم بودند. خود ان قشر به دو لایه دیگر تقسیم می گردید. **یک لایه** به دربار نزدیک بوده و به همین جهت ماهیتی فوق العاده ارتجاعی داشته و کاملاً طرفدار دولت شاه بودند. از این زمره می توان شیخ فضل الله نوری، دشمن سرسخت و جونیسی مشروطیت را نام برد. او در دوران اول مجلس با علم کردن "مشروع" به مخالفت جدی با مشروطیت پرداخت. وی مشروطیت را ضد دین و شریعت دانسته و بخروج دربار در نیرماه ۱۲۸۶ با دارودسته ارتجاعی خود در شاه عبدالعظیم متحصن شد.

لایه دیگر از قشروماتی روحانیت، کسانی را تشکیل می دادند که خواسته شان در حد خواسته های بسورژوازی بزرگ سحاری قرار داشته و مخالفتشان با دولت فقط به خاطر کسب قدرت و امتیازات بیشتر بود والا خود حامی دربار و فئودالیسم بشمار می آمدند. از اس لایه می توان طباطبائی و بهبهانی را نام برد. در سال ۱۲۷۰ هنگامیکه جنبش تنباکو در اوج خود بوده و توده های مردم یکدل و یک زبان بر علیه قرارداد ننگین دولت با شرکت انگلیسی "تالیوت" مخالفت کرده و برای اولین بار در مقابل قصر شاه به تظاهرات پرداخته بودند و در این بین حتی روحانیونی از قبیل میرزای شیرازی نیز فتوای منع استعمال توتون را صادر کرده بودند، بهبهانی در حضور مردم قلیان کشید، و کف من مقلد نیستیم و مجتهد هتم" (۷)

و همچنین در دورانی که توده های مردم فرمان مظفرالدین شاه را دایر بر تاسین عدالتخانه در تبریز و تهران از دیوارها کنده و بجای آن شناسنامه های انقلابی و تهیج کننده می چسباندند و شایعه جهاد سر علیه مظفرالدین شاه شدیداً در بین توده ها قوت می گرفت **طباطبائی** بلائی منبر رفته و گفت: "ما به سکی دارم و به برائی، پادشاه ما مسلمان است و سادشاه مسلمان جهاد منصور نیست." (۸) و سپس چالیوسانه با خطاب "اعلیحضرت" به مظفرالدین شاه و "حضرت والا" به عین الدوله مستبد و معلوم الحال، از آنها طلب مشروطیت نمود!

این دسته از روحانیون عامل مهمی در به نسند نشیدن جنبش توده ها در چهارچوب خواسته های سطحی و اصلاح طلبانه بوده و بساز تاسن مجلس بصورت بزرگ ترین مانع در برابر گسترش انقلاب و ارتقاء آن تاسا نابودی فئودالیسم، سلطنت و تسلط امپریالیسمهای انگلیس و روس در آمدند.

دسته دوم لایه های پاشینی روحانیت را شامل می کرد که از زمین و املاک و قشعی اربابی عادی نداشته و از لحاظ منافع طبقاتی کاملاً به خرده بورژوازی وابسته بودند. روحانیون این دسته از مبلغین پرشور مشروطیت و عامل مهم آگاهی دهی توده ها بودند و نقش بسیار مهمی در تهیج توده ها بازی می کردند. نقه اسلام سیر-سری از جمله روحانیون ساز و اسلاسون بزرگی است که از میان این دسته برخاسته و تا آخر به آرمانهای انقلاب و توده ها وفادار مانده و سرانجام سر بدست کسول روسیه در تشریز به شهادت رسید (۵)

- ۵ - چکنده اسخلاف، حدرحان عموواعلی - رحم رما راده ملک
- ۶ - نارح مشروطیت - ابواب
- ۷ - نرم دانشجو - بررسی مارا رات مردم ایران در سده اخیر
- ۸ - کسروی - تاریخ مشروطیت

اما در شهرها فرما نروایی سرمایه خارجی و وجود رژیم فئودالی مانع عظیمی در برابر رشد صنایع بود که از طرفی خود کارخانه های ایجاد شده توسط بسورژوازی متوسط صنعتی را بسرعت به ورشکستگی و نابودی میکشاند. دهقانان شهری شده بهمراه صدها هزار پیشه ور و صنعتگران ورشکسته و با در آستانه ورشکستگی و گروه های کارگران بیکار شده، نسیم پرولتاریای ایران را تشکیل می دادند. که در شرایط غیر قابل تحملی ادامه حیات می دادند. فقر و گرسنگی بار شاست و همسنگی آنها بود.

۱۰ جمعیت ایران

دراثر گرسنگی به هلاکت رسیدند

در طول سالهای ۴۰ - ۱۲۲۹، ۵۰ - ۴۷ - ۵۶ - ۱۲۵۵ بطور متوالی قحطی هایی روی داد که بیکان شبز تلفات و سدماتش منوجه دهقانان و سی جیزان شهری بسود ۱۰ شدت آن بدعی بود که تنها در فطلی ۵۰ - ۱۲۴۷ حدود ده در صد تمام سکنه ایران تلف شدند. (۶)

خسل عظیم بی چیزان برای امراز ماشنا جاروسودت گروه گروه جلای وطن کرده و نه خارجه مهاجرت کنند. در اواخر قرن نوزدهم و در آغاز قرت بیستم همه ساله تا دوست هزار تن عازم روسیه می شدند. (۶)

اسن بود وضع اکثریت عظیم توده های ایران.

حکومت اشراف و فئودالها

در باربان، اشراف و فئودالها قسمت اساسی طبقه حاکمه ایران را تشکیل داده و حدود سه هزار نفر (۴) را شامل میشدند. این اقلیت با حیز تمامی نعمات و امکانات زندگی را در اختیار گرفته و به عباشیسی پرداخته و مصالح مملکت، منابع ثروت و دسترنج توده-

- ۱ - لیس - امپریالیسم به مناهه لائوس مرحله سرمایه داری.
- ۲ - لیس - سداری آسیا
- ۳ - لیس - اروپای عقب مانده - آسیای سیشرو
- ۴ - اساد حسن کوموسی، مرده کس ۶۰ - ۵۹

در افشای سوسیالیان امپریالیسم - ۱

مد خلی برسوسیال امپریالیسم و تحلیلی بر عمل سازمان چریکهای فدائی خلق با آن :

غلبه رویزیونیسم بر دستگاه حزبی و دولتی شوروی در اواخر دهه ۱۹۵۰ و سین تبدیل شوروی سوسیا - لیستی به یک کشور سوسیال امپریالیستی منجر به انشایاتی در درون نهفت بین المللی کمونیستی گردید ، زیرا مرزبندی با عدم مرزبندی با رویزیونیسم معاصر و سوسیال امپریالیسم جز طرفداری از مارکسیسم - لنینیسم و وفاداری نسبت به آرمان طبقاتی پرولتاریا و یا طرفداری از "کمونیسم کاذب" و جانبداری از بورژوازی نمی توانست معنای دیگری داشته باشد .

رویزیونیسم پیوسته به مثابه یک جریان بورژوازی در درون جنبش کمونیستی ظهور پیدا کرده تا با تکیه بر سازش طبقاتی از وقوع انقلاب جلوگیری نموده ، پیوسته بردگی سرمایه را تداوم بخشیده و به طبقه کارگر خیانت ورزد . بر خلاف رویزیونیسم کهن ، رویزیونیسم خروشچسفی در طی یک روتدبه ساقط نمودن قدرت سیاسی پرولتاریا برداشته و با تکیه بر یک مثنی بورژوازی در راه قدرت دولتی قرار میگردد . بدنیال آن ، کشور اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی لنین و استالین ، کشوری که پایگاه درخشان سوسیالیسم و انقلاب جهانی بود ، تغییر ماهیت یافته و به یک کشور امپریالیستی تبدیل میگردد .

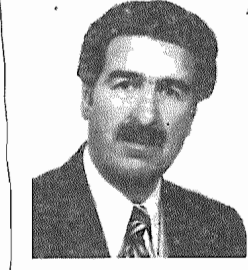
لنین می گوید : " اگر مبارزه علیه امپریالیسم بطور ایستکی با مبارزه علیه امپریالیسم امروزی سازمان داده شود ، دروغ جبری خواهد بود ."

لنین " امپریالیسم منتهای آخرین مرحله سرمایه داری بر این اساس مبارزه علیه رویزیونیسم جهانی به مثابه جزء تفکیک ناپذیر از مبارزه انقلابی طبقه کارگر برای سرنگونی امپریالیسم و ارتجاع و تحقق انقلاب سوسیالیستی بشمار می آید . بدون شناختن ماهیت طبقاتی رویزیونیسم و عمق مثنی و سیاست بورژوازی و فدا انقلابی - ان و در نتیجه اشغال و طرد آن ، توسعه جنبش و پیروزی انقلاب امکان پذیر نخواهد بود و بعلاوه از آنجا که شوروی سوسیال امپریالیستی دیگر نه بعنوان پشتیبان بلکه به مثابه یکی از دشمنان انقلاب بوده عمل نموده ، مبارزه علیه آن همچون بخشی از مبارزه ضد امپریالیستی خلقها بشمار می آید . جنبشها و نیروها که در این مبارزه تحت پوششهای گوناگون از خود تزلزل نشان داده و در انحراف خود تمسک یافته اند ، جز در غلطی به منقلب رویزیونیسم و در خدمت یک دولت استعماری قرار گرفتن راه دیگری نخواهند داشت . خطر عمده ای که جنبش کمونیستی ایران را تهدید میکند خطر رویزیونیسم است . رویزیونیسم با ماهیتی یگانه در اشکال گوناگون بطرز آشکار و ناآشکار ، از درون و بیرون منکوشد تا به نهفت مارکسیستی - لنینیستی میهن ما ضربه وارد آورد و آنرا از حیثیاتی طبقاتی و انقلابی اش خالی نموده و از راه آشتی طبقاتی و توطئه سر انقلاب مهار زند . درست است که امپریالیسم و رویزیونیسم جنبشها را به " دن سبائوپینگ - هوا کوفنگ " مبارزه قاطع خاص خود را می طلبد و اینچنین باید کرد ، لیکن در این مقطع زمانی مبارزه علیه رویزیونیستهای شوروی و طبعاً اروپا - دشته ارتجاعی کمیته مرکزی حزب توده از اهمیت ویژه ای برخوردار است ، زیرا ایران با بعد عملکرد ، با امکانات وسیع خود و با بکار گرفتن تمام توان خویش می کوشد تا سرعت در درون جنبش خلق و نهضت انقلابی و مارکسیستی ایران نغوذ کرده و آنها را تابع منافع امپریالیستی خود بنماید .

مناصفانه به سبب ضعیفای نیروهای کمونیستی ایران آنطور که باید و شاید مبارزه کافی و همه جانبه ای علیه رویزیونیسم ، سوسیال امپریالیسم و عمال سومی اش صورت نگرفته است و این امر باعث گردیده ضرباتی چند به جنبش میهن ما وارد آید . تاثیر پذیرفتن اذهان بخشی از توده ها (هر چند که امروز محدود است) از تبلیغات زهرآگین رویزیونیستی ، انشعاب عده ای از موضع رویزیونیستی از سازمان چریکهای فدائی خلق و بیوستن آنها به کمیته مرکزی مزدور ، ایجاد

مسئول ایالتی حزب توده در اصفهان همکار ساواک از آب درآمد!

مردم شرافتمند! حزب توده ایران بر رأی



کاندیدی به اصطلاح وفادار به آرمان طبقه کارگر (به تعبیر حزب توده) کساواکی از آب درآمد .

کارگری مبارز و وفادار به آرمان طبقه اش

رفیق غلامرضا روحانی شهرکی ، از مسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در اصفهان ، از جانب حزب ، نامزد نمایندگی در مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی از اصفهان است

رفیق روحانی دهقان زاده ای است که بصورت طبقه کارگر بیوسه ، کارگری است که به نام زندگی آگاهانه خود را وقت آزادی زحمکشان کرده است . رفیق غلامرضا روحانی

سرا از حزب توده در می آورند (و یا عناصر حزب توده سرا از ساواک) و اولین باری هم نیست که این خائنین به خلق قضیه را ماستمالی میکنند . حزب توده سعی کرد ساواکی بودن عضو دیگرش را نفوذ به ساواک جلوه دهد ، گویا ضربات توافراسای که از "شکیلات تهران" عباس شهریاری شان به جنبش کمونیستی ما زدند کافی نبود که باز هم اعضای ساواکی خود را از چشم مردم موشانند . واقعا که زهی بشیرمی و وقاحت در پایان این نوشته لازم است که از سوء استفاده فرصت طلبان حرفه ای و مذهبی نمایان کلاش هم که سعی میکنند از مسئله ای برای دامن زدن به جو ضد کمونیستی و ضد کارگری استفاده کنند . سخنی گفته باشیم ، ایس مرتجعین در حالی که خود اکنون با در جای ساواک گذاشته اند و به تفتیش عقاید و باتش کشیدن کتابفروشیها و ارسال چماقداران به میتینگ های گروههای مترقی ... اقدام می کنند ، سعی می نمایند از این عمل خائفانه حزب توده هم خود و هم پیمانان مرتجع و امپریالیست شان بهره وری کنند و اذهان توده ها را نسبت به کمونیست ها و سازمانهای کمونیستی واقعی شوب کنند . ولی اگر حزب توده با تشبیه به لطایف الحیل تا کنون توانسته است طرفی ببندد ، کوشش این فرومایگان کودن و عقب مانده نیز منتج به نتیجه خواهد شد .

در ابتدای مبارزات انتخاباتی "مجلس خبرگان" مردم اصفهان شاهد اعلامیه هایی از جانب حزب توده بودند ، که دو نفر را بنامهای "غلامرضا روحانی شهرکی" و "حسین آذر" بعنوان کاندیداهای خود در اصفهان جهت شرکت در "مجلس خبرگان" معرفی کرده بود . اما پس از چند روز و در تاریخ ۵۸/۵/۹ ناگهان حزب توده تعداد کاندیداهای خود را در اصفهان طی اطلاعیه ای از دو نفر به یک نفر تقلیل داد و بجای فرد حذف شده سه تن از کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی را قرار داد . حزب توده ملت این تقلیل و تکثیر را در اعلامیه فوق الذکر چنین بیان کرده است : "حزب توده ایران - سازمان ایالتی اصفهان - به اطلاع عموم همشهریان عزیز می رسد ، در آخرین جلسه سازمان ایالتی اصفهان مسئولین این سازمان به این نتیجه رسیدند که رفیق دکتر حسین آذر تنها نامزد حزب ما برای شرکت در مجلس خبرگان ، از اصفهان باشد . در ضمن اعلام می داریم آقایان آیت الله سید جلال الدین طاهری - دکتر حسن آیت - دکتر خالقی مورد پشتیبانی ما می باشند ."

همانطور که ملاحظه کردید حزب توده هیچ دلیلی را برای حذف غلامرضا روحانی شهرکی و قرار دادن اسامی سه نفر از حزب جمهوری اسلامی را بجای او ارائه نداده است ، ولی اگر این مسئله در ذهن خوانندگان ما و کلیه کسانی که از سند افشاگرانه در باره غلامرضا روحانی شهرکی با خبر نیستند ، ایجاد سؤال میکند برای مردم اصفهان و تمام کسانی که از سند افشاگرانه مذکور مطلعند بجای سؤال ، خشم و نفرت نسبت به کلاشان و مزدوران رهبری حزب توده ایجاد می کند و چشمهای آنان را نسبت به ماهیت حزب توده بازتر می کند . اما قضیه چیست؟ قضیه اینست که پس از کاندید شدن غلامرضا روحانی شهرکی بعنوان یکی از کاندیداهای حزب توده در اصفهان ، سندی در شهر پخش می شود که حاکی از همکاری فعال غلامرضا روحانی شهرکی با سازمان جبهه ای ساواک بوده است . متعاقب این امر است که مزدوران توده ای فوالورا به این نتیجه می رسند که "حسین آذر" تنها نامزد حزبشان در اصفهان باشد ! بدون اینکه بروی نامبارک خود بیاورند و بدون اینکه خود در افشای بیشتر ساواکی مزدور ، غلامرضا روحانی ، بکوشند . البته این اولین باری نیست که عناصر ساواکی



ایدئولوژیک ضد رویزیونیستی فرار میکنند از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است که ما بسم خود به استقبال این مبارزه می رویم و طی مقالاتی چند منکوشیم تا اساس موازین مارکسیستی اشبات نماشیم که رویزیونیسم در شوروی غلبه یافت و این کشور به یک کشور سوسیال امپریالیستی تبدیل شد و چرا سازمان چریکهای فدائی بسا سوسیال امپریالیسم سازش میکند .

تزلزل و گرایشات موافق در میان برخی از نیروهای مبارز و انقلابی در قبال ابر قدرت شوروی و از بابی آنان از شوروی به مثابه یک کشور "سوسیالیستی" ... از جمله ضرباتی است که بر جنبش وارد آمده است . با توجه بدین امر پیشبرد یک مبارزه پنگیر علیه رویزیونیسم از ضرورتی انکارناپذیر برخوردار بوده و این وظیفه سترگی بر دوش مارکسیست - لنینیستها سنگینی میکند . تنها یک پیکار ایدئولوژیک سخت و همه جانبه خواهد بود که می تواند سد محکمی در برابر رویزیونیسم در تمام عرصه ها ایجاد نموده ، انحرافات تکرری و پیرانه های بورژوازی را از جنبش کمونیستی زدوده و تزلزلات را در هم گوید . هرگونه کوتاهی و عدم کوشش جدی در این زمینه جنبش را در برابر تهاجمات سیاسی - ایدئولوژیک رویزیونیستی بی حفاظ نموده و بناگزییر نتایج مرکب ری برای جنبش بسیار خواهد آورد .

سازمان چریکهای فدائی خلق طی مقالاتی تحت عنوان : "تئوری سوسیال امپریالیسم انحراف از مارکسیسم - لنینیسم" به طرح نظراتی بنفایت انحرافی بزداخته که جز مشاطه گری سوسیال - امپریالیسم کار دیگری نکرده است . افشای این نظرات انحرافی که از عدم شناخت علمی از رویزیونیسم و مرزبندی قاطع با آن مایه گرفته و از آنجا که در بعد یک مبارزه

از انتشارات جدید سازمان:

کازگر، نه پیش! **قانون کار انقلابی**

در مقدمه کتاب "قانون کار انقلابی" می خوانیم که چگونه کارگران سراسر جهان و کارگران ایران در طی مبارزات طولانی و خونین خود توانسته اند از شدت بقیه در صفحه ۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران